کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۶۲۱۷

۱۶۲۱۷
۲۰۷۳۸۲

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۶۲۱۷

جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب
۲۰۷۳۸۲

۱۶۲۱۷
۲۰۷۳۸۲

جمهوری اسلامی ایران
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
شمارهٔ ثبت کتاب ۲۰۷۳۸۲
کتاب
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۶۲۱۷

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین کما هو اهله
والصلوة علی النبی و آله کما هو مستحقه
بعد نموده میشود که [illegible]
و اسباب الاشتغال [illegible] سعادت
و کمال و [illegible] جلال [illegible]
دین پناه [illegible] السلطان ظل الله
[illegible]
عدوان [illegible] ابو النصر سلطان [illegible]
[illegible] اسلام و ظل الله [illegible]
دور دار [illegible]
رسید که چون از این غفلت [illegible]
بانقصان موجب [illegible]
[illegible] بظهور رسید

و غفلتی روداده و دران مجموعه [illegible]
[illegible]
[illegible] که سروران و پادشاهانند و از عزم
و تدبیر ایشان فصلی [illegible] نوشته شده
[illegible] مختصری مفید [illegible]
کتاب بیان کرده هر چند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] رساله [illegible]
[illegible]

[stamp: کتابخانه مجلس شورای اسلامی]
۱۶۲۱۷
۲۰۷۳۸۲

[illegible]

[illegible]

ضعیفی است چنانچه پادشاه ظالم را
با هر کناهی سینه که از بر دمان دور شود
آید نشر کشت و پادشاه را با آفتاب
تشبیه کرده اند که آن بر خار و کل یکسان
تابد و این بر کلزار و شوره زمین یکسان
روشن باید باین که در مهمات کلی و جزوی
غرض خاص منظور نداشته باید دوست و
دشمن یکطریق سلوک نماید و در فراهمی
خلایق و معموری ولایت و ابهت ترین
دولتی و مهم ترین مطلبی داند و …
• کوی دولت رسیدن ربود
که در بند آسایش خلق • و گفته اند
که پادشاهی که شفقت …
نگهبان ملک و پاسبان دولت …
چه ظاهر است که چون رعیت …
مهربان ببینند و ملک را با امنیت به
عمارت و زراعت مشغول شوند
و چون نام نیک در شهرها شهرت

یابد سوداگران و مسافران برغبت تمام
هر گونه متاعی که در آنجا نباشد بیارند
و باندک زمانی مملکت آباد و خزینه
معمور و لشکر توانا شود و نعمت دنیا
و ثواب عقبی حاصل آید و سر آیه کریمه
ان الله یامر بالعدل و الاحسان بر همه
ظاهر کردد یعنی بدرستی که حضرت الله
تعالی جل جلاله امر میکند بندکان خود را
براستی و نیکوکاری و اینکه بعضی پیغمبران
را پیش از ترتیب رسالت با مر شبانی مشغول
میداشته اند چون موسی علیه السلام که …
شبان پدر زن بود حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله که ایشان نیز مدتی
باین امر اشتغال داشتند • بحکم آنکه
… • شبان لایق بود پیغمبری را
ازین جهت تواند بود که رعیت بمنزله کوسفند …
کسی که کوسفند را آب و علف بجا دهد
و از کرک نکه دارد و از سرما و کرما محافظت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

جزای نیك وبدكاران را جزای بد رسد
یهودی گفت نمی بینم که تو کردار موافق
گفتار باشد بدین سبب که چرا گفت من از
ابنای جنس تو ام ومرا گرسنه وتشنه
بینی ومیدانی که قوت پیاده رفتنم نمانده
وبر من رحم نمیکنی مجوسی گفت راست گفتی
از استر فرود آمده سفره بازکرد وی را
سیر کرد وآبش داد وبر استرش سوار کرد
وخود پیاده میرفت چون یهودی از
تشنگی وگرسنگی خلاص شد واز تعب
پیاده گی آسودگی یافت مهمیز کرده کاو
استر زده بشتاب براند وهرچند مجوسی
فریاد کرد که مرا درین صحرا ضایع مگذار
مکن ومرا بگذار [illegible]
ملتفت نشد که اعتقاد خود با تو
گفته ام ومذهب خود را یاری میدهم
واستر را رانده از نظرش غایب شد مجوسی
بخاطرش آمد که گفته بودم بر خدای

من چیزی پوشیده نیست وهر عملی را
جزا رسد هرد رو بسوی آسمان کرد و
دست به عابر داشت وبنالید وگفت
الهی آنچه درمیان من واین بنده تو گذشت
بر آن مطلعی ومیدانی [illegible]
راه برفته بود که دید استر یهودی را [illegible]
واعضا شکسته وسر گردن مجروح شده و
بمردن نزدیك گشته واستر ایستاده
اوکه برسد وسوار شود شکر کرد آنجا
آورد وسوار شد وروی بره نهاد یهودی
فریاد بر آورد که ای مجوسی درین حالم
بر من واجب نیست [illegible]
خود یاد کن مجوسی برگشته او را برپشت
سر خود سوار نموده [illegible]
پشیمان شده [illegible]
یهودی گفت [illegible]
درین پدران [illegible]
[illegible]

[illegible]

ممالکت ایشان از بلا والم وحوادث
دهر بیاید [illegible]
ومعاونت [illegible]
آن نتوان نمود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
ایشان [illegible]
وسیع وطاقت ایشان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
پادشاه

بود آن دشمن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

او را بسانیده دانند [illegible]
[illegible]
حکایت مجوسی شهرت کرده بسلطان وقت
رسیده وطور اطلاع از اعتقاد نیك [illegible]
او حظ نموده ندیم خود ساخت [illegible]
دو [illegible] بود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
کار او ساخت [illegible]
نوشیروان عادل نقل کرده [illegible]
[illegible]
تا باین حد [illegible]
[illegible]
در سفری

دیدم
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

که مشوره کنند وباشند چون وجه [illegible]
گفت از آنجهت که رای او از غرض [illegible]
ودر آن مطلبی ندارد واز روی هوای نفس
نمیگوید واین را مطلب افتاده غرض
نفسانی را در آن شرکت نیست وهرچه
از غرض پاك باشد بهتر [illegible]
دوست دارد که کارهای بندگان بی
غرض باشد وهرچه کنند برضای حق تعالی
باشد واگر آن توکل ضم شود کار او با
حق تعالی گذارند خود زهی سعادت
کار خود را بخدا باز گذار ای حافظ
ای بسا عیش که با بخت خدا داده کنی
گویند در حدیث قدسی [illegible]
که مضمونش از حق تعالی باشد وبوسیله
جبرئیل برسول رسیده باشد واقع شده
که اگر بندگان من نیتهای خود را از هوا
نفس وغرضهای نفسانی پاك کنند ودر
کارهایی که میکنند [illegible]

سازند وتوکل در همه امور بر من کنند
تا آنجا که ملعون گویند [illegible]
ونقل کفتنهاشان باشد من بذات خویش
از برای ایشان سامان میکنم وسر انجام
میدهم تا بدیگر چیزها چه رسد [illegible]
در نصیحت نامه اش میگوید ای سکندر
[illegible] خود ساز کسی را که پرستش
خدای تو نکند یا آنکه پرستش خدای
تو کند اما در اعتقاد واصول مذهب
موافق نباشد تا چه هرگاه اعتقادش
بخدای تعالی وبقیامت وبجزا یافتن وحشر
ونشر موافق تو نباشد پروای آن نخواهد
داشت که بتو نیك رسد یا بد بلکه گاه
باشد که ایذا واهانت ترا صواب داند
چنانچه میان آن مجوسی ویهودی
گذشته گویند در راهی یهودی رفیق
مجوسی شد ومجوسی بر استری راهوار
سوار بود ویهودی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کارکنند و

[illegible] رمضان [illegible]

[illegible] خوردن [illegible]

[illegible]

کارکنند و

[illegible] رمضان [illegible]

[illegible] خوردن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

هر عصر فرموده اند که پادشاهان هر زمان و حکام و والیان هر مکان را ضرورت
نظر در کلی و جزوی احوال خلق بقانون احتیاط کردن از روی یقین بجهت
امور رعایا و زیر دستان و مجمل کلام آنکه جمعی که سلطان وقت را از ایشان
نیست یا ارباب سیف اند چون امرا و سپاهیان یا اصحاب قلم چون مستوفیان
و دبیران پس هر یک را آنچه ضروری و ما یحتاج اوست از و نباید دریغ داشت و
هر کدام را در محلی که او مستعد آن است اگر تغافل و تهاون سازد او را تنبیه

[illegible]

هر کس را دست دهد هر خسروانه بمقتضای اذا قدرت علی عدوک فاجعل
العفو عنه شکرا للقدرة علیه عمل نماید یعنی آنکه هرگاه قدرت یافتی بر دشمن
پس بگردان عفو و بخشیدن او را شکر بر آنکه حق تعالی ترا این قدرت داده و تنها که
در بخشیدن و صرف نمودن اموال اعتدال نگاه دارد و از دو طرف آن که
افراط و تفریط است یعنی اسراف و بخل اجتناب و احتراز از لوازم شمارد و خود را
از زیور صفات حمیده و سمات پسندیده عاطل و بیکار نگرداند و بزیور جمال

[illegible]

وآنرا که مستعد مرتبه وزیری بیند کار حکام او را نفرماید و مستعد کار شریف را
بشغل کار خسیس باز ندارد چنانچه در طبیعت خود دانسته که کار واقعه از
جاذبه نیاید و کار قوت فرهنگ از قوت غضب نخواهد و سر کلمه جامعه
الناس علی ... را ظاهر گرداند یعنی کلمه آنکه حق تعالی هر کسی را از برای کاری خلق کرده
و از غیر آن توقع نباید داشت و هر پادشاه که صاحب این شناخت و این ...
باشد فرمان بر شد او فرمان ده خلق بحقیقت ... حکمای هم ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قوت ذاکره [illegible]

[illegible]

قوت سامعه [illegible]

و قوت شامه [illegible]

[illegible]

قوت غضب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قیود

و صورت و جسم [illegible]

و جسم یا بسیط است یا مرکب [illegible] عناصر [illegible]

[illegible] نبات [illegible] حیوان [illegible]

[illegible]

[illegible]

بيان

[illegible]

اذا شربوا [illegible] واذا طلبوا [illegible]

[illegible]

[illegible]

... يا ذلك آيات حرز الأربعين ... كل

... المتقين ...

[illegible]

... الحرز الشيخ ... ذكره ...

[illegible]

... الأفضال ...

... القلوب من الأولياء ...

[illegible]

يا ذا القوة كل شيء عجز واقع بحضرته
عبيد حتى القطب كل طالب نفحات
يا ذا الفضل العظيم هر كه اسم ... را
در مربع ... نقش
حرف ... اسم ... الأمين
... رحيم هر كه اين اسم را در وقت ...
... حرف
اسم ...
... الأولى
...
... يا عليم
العظيم هر كس ... تمامت علوم ...
كشف شود ... جميع ...
حرف ... اسم فتاح ... الحمد
... الأبواب ... الغيوب ...
...
... الأكوان

[illegible]

كل ... والمقرب ...
...
...
واجب الأنوار وكاشف الأسرار

ب		و	د
٢٦٩	٧		٣
	[illegible]		٨
٩			

هر كه اين ذكر را ...
وقت ...
اين ...
... جميع
خلايق محتاج او شوند وجميع مرادي
مطلب خود برسد حرف ...
... الكبرياء والعظمة ...
...
... يا
غالب كل مغلوب ...
كل هارب ...
...

[illegible]

[illegible]

رعايت كند ... خيار
خلوت وعزلت وترك صحبت تا اهل ...
...
كه قبل از شروع در عمل ... مناسب
... وبعد از تمام عمل ...
دانسته ...
هر عملي ... اعمال خير ...
در اعمال لطيفه ...
بوده باشد در اعمال قهريه ...
وآنچه بوی كريه دارد ...
عمل تسبيح وصلوات كرده باشد وروايت است كه
هر گاه حضرت رسول صلى الله عليه وآله خواستی كه
دعا كند اول گفتی سبحان ربي العلي الأعلى
الوهاب فصل در آداب وشرايط تلاوت
وكتابت مشتمل ... در تقسيم
...
قرائت ... باشند ...

[illegible]

[illegible]

التأنيث كرده اند بعضي حار و بعضي بارد وبعضي
يابس بعضي رطب وبعضي ...
... حرارت ويبوست وبرودت ورطوبت
وبيان ... در طبايع
... بعضي حروف اختلاف است ...
... در ترتيب حروف ...
و ... درين جدول
ثبت است ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

تقویم شرعی چه بر دمید تقاویم عرفی ز بوم شکست عنی و حبیب تاریخ او چنین گفته لطف از روز ازل است
شکر و سپاس بدیع حکیمی را که تقویم شرع قویمش و احکام متینش رهنمای انسان است و دلیل راه نمایان راه یقین است
تعالی الله زهی معبود یکتا که در ذات و صفت بری است از هر عیب و نقصانی که باشد منزه و بری است
بتوفیقت کنم هر چیز کاری چه در تقویم حکمت کرد پیدا زهی لطف عام از امید که باشم رستگار از رحمت او
زهی فضل تو آنچه من خواهم که باشد در خور امروز و فردا تو لطفی کن ز لطف الله در آنروز که باشد بار گناه بر
زبر هوا و خورشید جهان آرا چون آفتاب جهان تاب از افق بیان ظهور کند و عالم جان افزا چون روز
عالم افروز روشن گرداند حمد خالقیست که ایوان بی ستون سقف آسمان برافراشته است و مساحت زمین
در مرکز افلاک داشته ستاره های دانائی که بکمال حکمت و وفور قدرت روی زمین را بمکان کن فیکون
بانواع بدایع و اقسام صنایع محلی و مزین گردانید و از جمله موالید وجود انسان را برگزید و رقم اختصاص
لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم بر صفحه حال او کشید و بدیهه علیه و لقد کرمنا بنی آدم رسانید
و بموجب تلک الرسل فضلنا بعضهم علی بعض ردای فضیلت بر دوش منقبت حبیب خاص که سید بزرگ
بعد از لولاک لما خلقت الافلاک مطرز ساخته و اولاد طیبین و عترت طاهرین او که نجوم آسمان
هدایت و اقمار فلک ولایت و امامت اند مخصوص و ممتاز ساخته بمقتضای آیه کریمه یا ایها الذین آمنوا
اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم و کفی بالله ولیا و کفی بالله نصیرا اما بعد چنین گوید
اقل عباد الله لطف الله ابن حسین که چون بعضی از برادران دینی و مؤمنان یقینی از این بی بضاعت التماس
تقویم همه ساله مینمودند که مناسب شرع شریف نبوی صلی الله علیه و آله باشد و این فقیر هر چند قابلیت آن
نداشتم که این چنین چیزی را باتمام توانم رسانید اما بنا بر التماس ایشان مدتی مدید بود که بخاطر دائم
که از روی احادیثی که وارد است از ائمه معصومین صلوات الله علیهم در باب اختیارات ایام هر ماه تقویمی
کنم لیکن چون بخت متحیر و سرگردان و متفکر بودم که اوقات را بچه نحو صرف او نمایم و چه سان تمام نمایم

او را بیت قلم چه جهل تعقل برکشند هر طرف رخنه باز برکشند و دیگر آنکه متعذر بودم بواسطه تراکم هجوم
افواج هموم و بواسطه تلاطم علایق و امواج غموم و دیگر از ناسازگاری افلاک و گردش او که روا برده
سوی این خیمه کبود آنکه فتنه که طناب گسسته و ز دست غم بجان رسیده چنانکه او بند طلسم او هم
درهم شکستی بر طلب کند که از این تقویم مکرر کرده بطلب خود را و بپایان رسانید تا همه خود را در این
باب این فقیر عازم گردیدم که این چنین تقویمی را باتمام رسانم بعنایت الله تعالی و یاری خاتم النبیین
و اولاد و اطهار او صلوات الله علیهم اجمعین طلسم خویش را در هم شکستم بهر نقطه التماس از بهر این
بدان ای عزیز هداک الله تعالی فی الدارین بنای این تقویم بر دو قسمت اول شرعی و دوم حکمی و او تمام
شد است این تقویم بتقویم لطفی و این مشتمل است بر مقدمه و دو مقاله و خاتمه اما مقدمه در بیان آنکه تقویم
چه معنی دارد و تعداد ستارگان و جایگاه ایشان بدانکه تقویم در لغت عرب راست داشتن و قیمت کردن
و در اصطلاح منجمان دوری ستارگان است از اول حمل بر توالی بروج و تقویم بر صحیفه نیز گویند که حرکات
ستارها و نظرهای او و حالات ایشان در یک سال تمام شود و احکام آن سال را نویسند و پوشیده نماند که
کواکب سیار هفت است چنانکه گفته اند قمر است و عطارد و زهره و شمس و مریخ و مشتری و زحل و هر یکی
از کواکب سیاره در فلکی اند چنانکه قمر در فلک اول است از طرف کره ارض و آنرا نیز اصغر خوانند و عطارد در فلک
دوم است و آنرا تیر خوانند و زهره در فلک سوم است و آنرا ناهید خوانند و شمس در فلک چهارم است
و آنرا نیر اعظم دانند و مریخ در فلک پنجم است آنرا بهرام خوانند و مشتری در فلک ششم است آنرا برجیس
خوانند و زحل در آسمان هفتم است آنرا کیوان گویند و بالای فلک زحل فلک هشتم است و ابنجا محل ستارهای
ثابته و بروج است و این فلک در کلام قدسی بکرسی مشهور است و بالای این فلک فلک الافلاک است
و آنرا فلک اطلس نیز گویند بنا بر آنکه در این فلک هیچ ستاره پیدا نشده اند و بالای این فلک هیچ جسم نیست
شرع ایجاد او عرش خوانند و این فلک الافلاک که آنرا فلک اعظم خوانند در شبانروزی یک دور تمام
طی میکند و حرکت آن از جانب مشرق است بمغرب و آن حرکت را بر خلاف توالی گویند و این فلک آفتاب و ماه

در ابتدای شب وقت نماز شام و چون ساعات روز معلوم شد بر اصطلاح شب نیز بر آن اصطلاح معلوم شود چه ابتدای
روز انتهای شب و انتهای او ابتدای این **فصل دوم** در بیان ساعات شب و روز باید دانست که منجمان ولایات ماهر یک از شبانه روز
وسطی و حقیقی را به بیست و چهار قسم متساوی قسمت کنند آنرا ساعات مستویه و معتدله نیز گویند و اقسام وسطی را
ساعات وسطی و اقسام حقیقی را ساعات حقیقی گویند و گاه باشد که هر یک از ساعات وسطی و حقیقی را بدو قسم متساوی قسمت
کنند آنرا دقایق ساعات آن ایام گویند و نیز هر یک از شبانه روز را بدوازده قسم متساوی قسمت کنند آنرا ساعات معوجه
و زمانیه نیز گویند اما معوجه بجهت آن گویند که در اغلب اوقات مقدار ساعات روز مخالف مقدار ساعات شب بود
و نیز هر دو روز که بعد از اول سرطان متساوی نبود ساعات آنها مختلف بود و اما ساعات زمانیه بجهت آن گویند که
مقدار آن ساعات تابع مقدار زمان شب و روز است یعنی بطول و قصر شب و روز طویل و قصیر شوند **فصل سیم**
در بیان چگونگی تاریخ باید دانست که لفظ تاریخ را بعضی گفته اند که معرب است و ماخوذ است از ماه روز که بجهت کاوه
و باب تفعیل گاهی بمعنی التحیری باشد پس معنی تاریخ وقت از الذکر در وحشت وجهالت آن وقت بود و بعضی
گفته اند که قلب التاخیر است چه نسبت کردن ذکر و وقت باول آن و سطر نیز از بعضی اهل لغت نقل کرده که تاریخ چیزی
غایت افضی وقت آن چیز را گویند که منتهی شود باو و گویند فلان تاریخ قوم خود است یعنی شرف ایشان باو منتهی میشود
و بعضی گفته اند که تاریخ لفظ عربیست بلکه معرب است و اصلش آنست که ابو موسی اشعری که حاکم یمن بود از قبل
خلیفه ثانی نوشت که از دار الخلافه کتابها صکوک آمده است که محل آنها شعبان است ندانیم که شعبان آینده است یا
گذشته پس صحابه را طلب کرد و با ایشان مشورت نمود در این باب هرمزان که از ملوک عجم بود و اسلام آورده در مجلس
بود گفت عجم را حسابیست که آنرا ماه روز گویند و کیفیت استعمال آن شرح نمود صحابه آن را پسندیدند و آمد پس ماه روز
را معرب ساختند موّرخ کفتند و تاریخ مصدر آن ساختند اما در اصطلاح گوشیار گوید که تاریخ روزی معین است که از منه
که بعد از آن بود بآن نسبت کنند و بعضی گفته اند که تعریف وقت حادثه است باسناد کردن آن بزمان وقوع حادثه اخرا
پس تاریخ اول سالی باشد که در آن سال حادثه عظیمی واقع شده باشد چون ظهور ملتی یا ولایت پادشاهی یا مانند اینها آنرا مبدا
سازند تا چون خواهند که ضبط حوادث دیگر کنند با آن مبدا نسبت کنند و آنرا تاریخ خوانند و آن بحسب اصطلاح چند نوع

که بحرکت فلک آن دو نقطه نگردند و چون بر میانه دو قطب فلک نقطه تعیین کنند بعد از آن که آن فلک بگردد
بگردد از آن نقطه با همان نقطه دایره عظیمه در خیال در آید آن دایره را منطقه آن فلک گویند پس منطقه فلک هشتم
را منطقة البروج گویند و منطقه فلک نهم را معدل النهار خوانند و مرکز این دو فلک مرکز زمین است و آنرا مرکز
عالم گویند و دو قطب فلک اعظم را دو قطب عالم گویند و چون رو به مشرق آری آنچه در طرف دست چپ است
قطب شمالی خوانند و آنچه در طرف دست راست است آنرا قطب جنوبی گویند **دیگر** باید دانست که منطقة البروج و معدل
النهار در دو نقطه بهم رسیده اند و هر یک دیگری را قطع کرده اند و یکی از آن دو نقطه را اول حمل گویند و یکی دیگر را اول
میزان پس منطقة البروج و معدل النهار را بسیصد و شصت قسم متساوی قسمت کرده اند و هر قسمی را درجه خوانند
و هر درجه را بشصت قسم کرده و هر یک را دقیقه خوانند و هر دقیقه را بشصت قسم کرده اند و هر قسمی را ثانیه گویند
و هر ثانیه را بشصت ثالثه و ثالثه را بشصت رابعه و همچنین تا تاسعه و عاشره و هر قدر که خواهی و باز آن سیصد و
شصت قسم را بدوازده قسمت کرده اند و هر قسمی را برجی خوانند پس تمام منطقة البروج دوازده برج باشد و اسامی
بروج دوازده گانه اینست اول **حمل** دوم **ثور** سیوم **جوزا** چهارم **سرطان** پنجم **اسد** ششم **سنبله** هفتم **میزان** هشتم
عقرب نهم **قوس** دهم **جدی** یازدهم **دلو** دوازدهم **حوت** و دیگر باید دانست که حمل و ثور و جوزا این سه برج را بروج
ربیعی خوانند زیرا که چون آفتاب در این برجها باشد در معظم معموره فصل بهارات و سرطان و اسد و
سنبله را بروج صیفی خوانند از جهت آنکه مدت بودن شمس در این برجها فصل تابستانست و میزان و
عقرب و قوس را بروج خریفی خوانند زیرا که بودن شمس در این برجها فصل پاییز است و جدی و دلو و
حوت را برجهای شتوی گویند بواسطه آنکه مدت بودن آفتاب در این برجها فصل زمستانست پس کواکب
در این برجها حرکت کنند باین معنی که هر چند مدت در برابر برجی باشد از بروج دوازده گانه و چون از
برابر آن برج بگذرند گویند که آن برج را قطع کرده است و چون دوازده برج بروند گویند یک دور زمین را
سیر کرده **و دیگر** باید دانست که افق دایره ایست که آسمان را دو نیم کند و در نزد منجمان دایره ایست که نیمه ظاهر و پوشیده را
جدا کند و چون کوکبی از زیر دایره بر آید گویند که طلوع کرد و چون بگذرد گویند که غروب کرد **دیگر** باید دانست

باشد و آنچه مشهور است تاریخ هجری و تاریخ فرس و تاریخ رومی و تاریخ ملکی و تاریخ خطا و ایغور و بعضی از اینها در محل
خود گفته شود انشاء الله تعالی **فصل چهارم** در بیان معرفت تاریخ هجری و این فصل مشتمل است بر سه نکته **نکته اول** در
بیان وضع تاریخ و اصطلاحات او پوشیده نماند که اول این تاریخ اول محرم آن سالی بوده است که پیغمبر ما صلی الله علیه و آله
از مکه بمدینه هجرت کرد و هجرت در لغت ترک وطن کردن است و مفارقت کردن از آن موضع بموضع دیگر و مقام ساختن
در آن موضع بحسب شرع مخصوص است بترک وطن خالصا لله تعالی بجهت آنکه قیام توان نمود بامتثال اوامر شریعه
بی مانعی پس مخفی نماند که عرب را تواریخ مختلف بوده است پیش از اسلام و چون تاریخ بنای کعبه
و تاریخ ریاست عمرو بن ربیعه که واضع عبادت اصنام در میان عرب پیش او بوده تا عام الفیل این تاریخ مستعمل
بوده و بعد از آن تاریخ عام الفیل و هر قومی از عرب که ایشان را واقعه عظیمی دست داده در سالی آنرا تاریخ
خود می ساخته اند و در زمان حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله تاریخ عادت نبوده و لیکن بعد از هجرت
هر سالی را نامی نهاده بودند چنانکه **سال اول** را سنة الاذن یعنی دستوری بهجرت **دویم** سنة الامر یعنی فرمود
بقتال **سیوم** سنة التمحیص یعنی آزمودن چنانچه در قرآن مجید بآن اشارت کرده که و لیمحص الله الذین آمنوا **چهارم**
سنة الترفیه **پنجم** سنة الزلزال یعنی سنة شدت زلزله **ششم** سنة الاستئناس یعنی انس گرفتن **هفتم** سنة الاستغلاب
هشتم سنة الاستواء **نهم** سنة البراءة **دهم** سنة الوداع و بعد از وفات او همین تاریخ منظور میداشتند تا در زمان
خلیفه ثانی اشتباهی واقع شد چنانچه قبل از این مذکور شد و اتفاق بر آن شد که تاریخی وضع کنند پس بعضی
از یهود که بشرف اسلام مشرف شده بودند گفتند که ما را مثل این تاریخی هست و اشارت بتاریخ رومی کردند
رضی صحابه بآن نشدند زیرا که حساب آن دور و دراز و کاهش داشت که بسیار آن طول داشت و بعضی اشارت بتاریخ فرس کردند
و او هم از این جهت مرضی نیفتاد پس رای ایشان بر آن قرار گرفت که روزی از ایام آن حضرت را مبدا سازند پس
زمان هجرت را اختیار کردند چه سبب ظهور و شوکت اسلام بود بیقین معلوم بود بخلاف زمان مبعث
که آن را بیقین معلوم نبود و بخلاف زمان ولادت چه در آن اختلاف بسیار بود و مترددند بود که در سال
چهلم و چهل و دویم و چهل و سیوم از ملک نوشیروان و در ایام نیز اختلاف بود چه مترددند بودند میان شنبه و دو شنبه

که نصف النهار دایره ایست که نصف ظاهر آسمان را بدو نصف کند و آن نصف پوشیده را هم بدو نصف کند چنانکه
یک نصف بجانب مشرق باشد و نصف دیگر بجانب مغرب و چون آفتاب بحرکت فلک اعلی از مشرق
طلوع کند هر لحظه ارتفاع او زیاده شود و آنرا ارتفاع شرقی گویند تا آنکه بدایره نصف النهار رسد و این غایت
ارتفاع آفتاب باشد بعد از آن بافق مغرب میل کند و ارتفاع آفتاب رو بنقصان آرد تا غروب کند و آن [illegible]
[illegible] **مقاله ثالثه** اول در بیان تاریخ مشهور [illegible]
[illegible] **فصل اول** [illegible] آفتاب و ماه [illegible]
و مراد از اجرام سماوی آفتاب و ماهست و کواکب است زیرا که در علم حکمت مقرر شده که افلاک مرئی نمی شوند
لیکن چون کره بخار مستنیر است باشعه کواکب و هوا ما فوق او از لطافت قبول ضوء نمیکند شعاع بصر که
اجزا کره بخار نفوذ کند و بهوا مظلم رسد ضوء لون منتوسط میان ظلمت و ضیا متخیل ناظر می شود و آن لون لا
جوهری است و الظاهر من المتحرکات **واما** الظاهرست قمرا بواسطه آنست که هم او را می شناسند بخلاف سایر
کواکب بجهت آنست که در دوره زیاده از سه روز مختفی نشود پس گردش حال او را بدو رو آفتاب نهاده اند و مدت
یکدور آفتاب را یعنی از هنگام مفارقت او از یک نقطه چون اول حمل تا معاودت او بهمان نقطه یکسال
اعتبار کرده اند و گردش قمر را بر دو ماه نهاده اند یعنی از هنگام مفارقت او از یک نقطه معین چون
اجتماع با هلال تا معاودت او بهمان نقطه یکماه اعتبار کرده اند **اما** اجتماع بر دو نوع است یکی از آن دو نوع
وسطی است و منجمان اسلامی آنرا مبدء ماه عربی بحساب ساخته اند و یکی دیگر حقیقی که حکام ترک و یونان
آنرا مبدء ماه قمری ساخته اند و هلال در لغت قدر مشتری است قمر را از هر ماه را گویند و در شب اول و دویم و سیوم
هلال گویند و در عرف اهل نجوم همین شب اول را هلال گویند پس ظاهر است که هلال و صفت قمر است با آفتاب
اما تعیین آن خالی از خفایی نیست چه در هر ماه که آن بعید غروب آفتاب بعد قمر از آفتاب بر یک قدر نیست
لیکن بتجربه معلوم شده است که چون در وقت غروب آفتاب ارتفاع قمر هشت درجه بود قمر مرئی شود پس ظاهرا

[illegible]

وعرض آنرا به هشت قسم وطول آنرا بر دوازده قسم قسمت کرده و قسم اول از طرف دست راست در طول

جدول عدد ماههای هجری را بنویسند چنانکه ابتدا به محرم کرده تا ذی حجه که آخر سال است بقسم آخر بر جای داد

و در فوق جدول بازاء محرم ایام هفته را رسم کنند چنانکه ابتدا به پنجشنبه کنند تا چهارشنبه که آخر هفته است

در آخر جدول وضع نمایند و [illegible] از برای مناسبت [illegible] ساختند زیرا که مبدء تاریخ [illegible] بوده است پس بر [illegible]

دو روز افزوده در زیر هر جدولی که در تحت جدول محرم تا آنکه مبدء صفر معلوم شود و بر مبدء صفر یکی و

افزوده تا مبدء ربیع الاول حاصل شود و همچنین تا آخر جدول و اگر یکی باید دو باید افزود و یکی را باید **فصل پنجم**

در بیان معرفت تاریخ رومی و این مشتمل است بر شش [illegible] اول در بیان تعداد ایام ماههای ایشان پوشیده

نماند که اول این تاریخ روز دوشنبه بوده است بعد از وفات اسکندر بن فیلقوس رومی بدوازده سال و قبل از

اهل شام و سریان این تاریخ را استعمال میداشتند و بعد از آن باسم اسکندر مشهور شده است و گفته اند که اهل روم

این تاریخ را استعمال میکنند و مستعمل ایشان تاریخ دیگر است و سالها و ماههای ایشان شمسی اصطلاحی است چه سیصد و

شصت و پنج روز و ربعی زیاده و نقصان سالی گیرند و ماههای ایشان دوازده باشد از آنجمله هفت ماه را هر یک ماه

سی و یک روز شمرند و چهار ماه دیگر را هر یک سی روز گیرند و یک ماه دیگر را بیست و هشت روز حساب کنند و سبب آنکه

عدد ماهها را باین نوع گرفته اند معلوم نیست و در چهار سال یکبار آن ماه را بسبب اجتماع ارباع مذکور بیست و نه

روز شمرند و آن سال را کبیسه خوانند و در آخر این ماه آن یک روز را بجهت آن زیاده کنند که ایام آن کمتر از ایام ماهها

دیگر است پس چون سالهای تامه را بر چهار طرح کنند اگر سه باند سال کبیسه باشد زیرا که سال کبیسه در زمان

سیم بود پس طریق اسهل آنست که سالهای تامه این تاریخ را بر چهار قسمت کنند اگر سه باند آن سال کبیسه باشد و الا

فلا و تفصیل اسماء ماهها و عدد روزهای ماههای ایشان بر این نحو است که تشرین الاول لا تشرین الآخر ل کانون

الاول لا کانون الآخر لا سباط کح اذار لا نیسان ل ایار لا حزیران ل تموز لا آب لا ایلول

[illegible]

و اقع می شود بجهت آنکه [illegible] گرفته اند **فصل دوم** در بیان مدخل سالهای رومی باید دانست که از برای

[illegible]

قدر است اختلاف که شب قدر بعد از پیغمبر باقی هست یا نه و بر تقدیری که باشد اختلاف که در رمضان است
یا غیر رمضان و بر تقدیری که در رمضان باشد اختلاف که در عاشره اول است یا عاشره وسط یا عاشره
آخر و بر تقدیری که در عاشره آخر باشد اختلاف که در کدام شب است مشهور آنست که شب بیست و هفتم
و معنی قدر شرف و بزرگی و مرتبت و شرف این شب زیاده از شبهای دیگر است و بعضی گفته اند که قدر بمعنی
تقدیر است چه تقدیر همه امور در آن سال و تفویض آن بملائکه در این شب واقع می شود و غره شوال عید فطر است
و باید دانست که عید از عود گرفته اند بجهة آنکه هر سال مردم بآن عود میکنند بر وجه مخصوص یا بجهة آنکه
خوشحالی و نشاط عود میکند [illegible] در آن روز و ده روز اول ذی حجه ایام معلومات است در
قول اهل لغت و اکثر فقها است و بعضی از فقها گفته اند که ایام نحر است و هشتم ذی حجه روز ترویه است و ترویه
در لغت آب دادن و فکر کردن و تسمیه این روز بترویه آنست که حجاج در این روز تشنه و مرکب خود را آب میدهند
و آب هم بر میدارند یا بجهة آنست که در شب این روز دید که حضرت ابراهیم بخواب دید که حضرت اسمعیل
را ذبح کند و در تمام روز در فکر بود که چه نوع کند [illegible] خاطر قرار داد که او را در روز عید اضحی ذبح کند و نهم
ذی حجه روز عرفات [illegible]

[illegible]

[illegible]

وسیم اردیبهشت ماه و ششم خرداد ماه و سیزدهم تیر ماه و هفتم مرداد ماه و چهارم شهریور ماه و شانزدهم مهر ماه و
دهم آبان ماه و نهم آذر ماه و دوم بهمن ماه و پنجم اسفندارمذ ماه و اما دی در هشتم و پانزدهم و بیست و سیم همه ماهها باشد
و اورمزد هم همچنین در همه ماهها باشد پس تا بر قاعده بیشتر باید که هشتم و پانزدهم و بیست و سیم هر یک از دیماه جشن اول
و صاحب زیج خاقانی تصریح کرده است بآنکه این سه روز جشن باشد و بعضی گفته اند که این سه روز و اورمزد و ادر هم
ماهی که باشد بعبادت که طریق ایشانست میگذرانند و چون در یکماه سه روز بیک اسم واقع شود بجهت تمییز آنرا نسبت کنند
بما بعد آن چنانچه متقدم بر آذر را دیبآذر گویند و متقدم بر مهر را دیبمهر و متقدم بر دین را دیبدین اول فروردین
نوروز عامه باشد و ششم نوروز خاصه و ضحاک گوید که بزعم ایشان آنست که اول فروردین روزیست که حق تعالی
در آن روز عالم را آفرید و کواکب را امر کرد و سیر کردن از اول حمل و بنی آدم را در این روز آفرید از اینجهت است که آنرا
نوروز گویند و علمای ایشان گویند که جمشید که آنرا عرب [illegible] گوید در جهان طواف میکرد و چون بآذربایجان
رسید در این روز در تخت زرین نشست [illegible] و آن تخت در موضع بلندی بود و روی در مشرق و چون آفتاب
مشرق بر آمد بر تاج و تخت افتاد شعاعی بغایت روشن ظاهر شد و مردمان چون آن شعاع بدیدند شادی کردند و گفتند
که این روز نو است زیرا که دو آفتاب بر آمد یکی از جانب مشرق و دیگری از جانب مغرب پس آن روز را جشن عظیم ساختند
و اصل اسم او جم بود و بواسطه این شعاع جمشید گفتند زیرا که شید بلغت ایشان شعاع است و بعد از پنج روز که آن روز
خرداد گفتند که از فروردین دیگربار بر تخت نشست خاص و عام آنرا بدیدند و در آن حین رسمهای نیکو نهاد و گفت
خدای تعالی اخبار ایام زید و فرمود تا همه غسل کردند بآب پاکیزه و حق سبحانه تعالی را شکر کردند و فرمود تا هر سال
چنین کنند پس از اینجهت این روز را نوروز خاصه و نوروز بزرگ نام نهادند و اول را نوروز عامه
و نوروز صغیر گویند و اکاسره از نوروز اول تا نوروز دویم حاجتهای مردم بر آوردندی و درین نوروز دویم
ها را رها کردندی و مجرمان بخشیدندی و بعد از آن بطرب و عشرت مشغول شدندی شانزدهم مهر ماه
مهرگان عامه و بیست و یکم مهرگان خاصه است زیرا که روز شانزدهم مهر ماه اسم آن روز موافق اسم ماه است پس آنرا
جشنی کرده اند و معنی مهرگان رحم پیوستن است و فارسیان آن روز را تعظیم عظیم کنند بجهت آنکه ضحاک تازی
بود بغایت ظالم و فساد بسیار میکرد و خلق بسیار از وی در عذاب بودند درین روز فریدون او را بگرفت و در زمین
بابل بند کرد و بکوه دماوند فرستاد او را در آنجا حبس کردند درین روز همه بشکر مشغول شدند
و بعد از آن هر سال در آن روز زمزمه میکردند بوقت طعام و شراب سخن نمیکردند و تعظیم میکردند و خدا را
و همه روز بشکر مشغول میبودند و بعد از پنج روز دیگر مهرگان خاصه بود بدستور نوروز خاصه و
عامه و این روز را نیز تعظیم کنند و فارسیان گویند که خدای تعالی عالم را درین شش گاه آفرید و آنرا گاهنبارها
خوانند و واضع این قول زردشت است و این شش گاه را بازرادشت روزنهاده است که در کتب سماوی مذکور است که
خدای تعالی عالم را در شش روز آفریده است و اول گاه اول یازدهم دیماه است و او گاه دویم یازدهم اسفندارمذماه و اول گاه سیم
بیست و هشتم اردیبهشت ماه و اول گاه چهارم بیست و ششم خرداد ماه و اول گاه پنجم شانزدهم شهریور ماه و اول گاه ششم
سی و یکم آبان ماه که اول خمسه مسترقه باشد و هر یک از این گاهها پنج روز باشد و زردشت چنین گفته است که در گاه
اول خدای تعالی آسمانها را آفرید و در دویم آب را و در سیم زمین را و در چهارم نبات را و در پنجم بهایم را و در ششم انسان را
و بعضی از اهل فرس تعظیم این روزها کنند و مهمانیها سازند و بلهو و طرب اشتغال نمایند و مبادی این ایام بر تقدیر
که خمسه مسترقه را در آخر آبان ماه افزایند و تعیین گاهنبارها بر این جمله از زیج ایلخانی منقول است و کوشیار در زیج جامع
آورده است که اول گاه اول بیست و هشتم اردیبهشت است و اول گاه دویم بیست و ششم تیر ماه و اول گاه سیم شانزدهم شهریور ماه
و اول گاه چهارم پانزدهم مهر ماه و اول گاه پنجم یازدهم دیماه و اول گاه ششم اول خمسه مسترقه است که در آخر اسفندارمذ ماه
بود و پنجم اسفندارمذ ماه نوشتن رقعه کژدم بود و صاحب عجایب المخلوقات گوید که درین روز از وقت طلوع فجر تا
طلوع آفتاب رقعه نویسند از برای هوام و آنرا بر سه دیوار خانه بچسبانند و چهارم که صدر خانه بود خالی
بگذارند و بعضی گفته اند که نوشتن رقعه کژدم رسم فارسیان نیست بلکه بدعتیست محدث که عوام آنرا بکار
میدارند و بعضی گفته اند که فریدون درین روز طلسم با فسون و سموم حیوانات را بستی و منویان که
رقعه نوشتن از پیش فریدون است آنکه فارسیان درین روز رقعه مینویسند که بنام ایزد و بنام نوافریدون
و عرب درین رقعه می نویسند که سلام علی نوح فی العالمین و همچو افریدون را نوح خوانند و بعضی از اهل

[illegible]

[illegible]

و مردان گویند که این ایام را از آن جهت ایام عجوز [illegible] گویند که [illegible]
سیر آفتاب در برج [illegible] و تاریخ رومی و تاریخ جلالی [illegible] آنست که در سقوط جمرات
این تفاوت پیدا می شود و بیست و ششم شباط اول ایام عجوز باشد و آن هفت روز بود و درین روزها هوا خالی از تغیر
باشد و [illegible] گفته اند که از آن جهت است که این ایام را عجوز نسبت کنند و بعضی گفته اند که این روزها نحس
است [illegible] بود در این ایام باد هلاک شدند و از ایشان پیرزنی [illegible] در غار کوهی مانده بود و او در این
ایام بر ایشان نوحه میکرد و پیرزن هشتم باد او را از آن غار بیرون کشید و او نیز هلاک شد و در فرهنگ جهانگیری
که آن هفت شب بود و هشت روز و صاحب صحاح از بعضی از اهل لغت نقل کرده است که ایام عجوز نزد عرب پنج
روز است و صاحب تنجیم گفته است که ایام عجوز نیست ایام عجز است یعنی آخر زیرا که این روزها آخر زمستانست
و بیست و پنجم نیسان را میلاد یوحنا خوانند و این موافق آنست که در زیج ایلخانی و حکیم محی الدین مغربی
در زیج صغیر آورده که میلاد یوحنا بیست و چهارم حزیران است [illegible] و از اهل اللغت آورده است که یحیی
بلغت یونان یوحنا گویند و ابو ریحان در تنجیم آورده است که یحیی را معمدان یوحنا گویند بجهت آنکه مردم را
تعمید کردی یعنی ایشان را آب معمودیه میشستی تا گناهان ایشان پاک شدی و ظاهر آنست که یوحنا غیر یحیی است
که تقویت دین عیسی میکرد و هجدهم ایار اول باحور باشد و آن چهار روز است و در زیج محی الدین مغربی مذکور است
که اول آن بیستم ایار است و باحور جمع باحر است و در صحاح آورده که باحر باد گرم است و ابو زید نقل کرده که باحر
تمام گرمی است که در تابستان آید و بیست و یکم حزیران صوم یحیی بن زکریا است و در زیج ایلخانی بر اینوجه آورده است و
در آن اختلاف چنانکه اشارتی بدان رفت و سیم تموز را ذکران مرتو ملخوانند و صاحب کشف گوید که معنی ذکران یاد
کردن است و آن آنچنان بود که شخصی که او را افضل ایشان شمارند و زنی که منسوب باو بوده در مقبره است خود او را دفن
ذکر میکنند و همچنین در روزهای بعد از آن تا وقتی که نوبت بدیگران شخصی دیگر رسد [illegible] و دهم مولد یکی
تفسیر است [illegible] کنند که [illegible] آن بوده و [illegible] و نوزدهم تموز اول
باحور باشد و آن هفت روز باشد و در آن روزها آثار گرمی کم باشد و بعضی ایام باحور گویند و بعضی آن
اصحاب لغت گفته اند که این لفظ مولد است و مراد از آن شدت حرارت است در صیف و بعضی گفته اند که باحور
بلغت یونان روزگار آزموده را گویند و از احوال این ایام استدلال بر هوای باقی سال کنند و صاحب تنجیم گوید که
ایام باحور هفت روز است اول آن نوزدهم تموز است و این ماخوذ از عبرانی است و عبرانی نام آن حکیم بوده
زیرا که اصحاب تجربه از این روزها حکم کنند بر احوال ماههای خزان و زمستان و اول آن روزها روز اول
دلیل تشرین الاول است و روز دویم دلیل تشرین الآخر تا باخر هر چه در هر روزی که پدید آید از میغ و باران
در ماه آن روز نیز همچنین باشد و بعضی گفته اند که روز اول آن دلیل اسد است و روز دویم دلیل سنبله
همچنین تا روز آخر که آن دلیل است جوزا و اول آب صوم ماه شعبان بود و آنرا صوم السیدة نیز گویند
[illegible] است و سیده را میر گویند و ششم را عید تجلی خوانند و گویند درین روز عیسی عم تجلی
کرد بر حواریان [illegible] و موسی عم را با خود ظاهر کرد و در زیج مغربی آورده است که تجلی عیسی عم و خضوع
[illegible] و الیاس عم باو در طور سینا بود و پانزدهم فطر مارت مریم بود پس مدت صوم مارت مریم چهارده روز
باشد و بیست و هفتم مقتل یحیی عم که یوحنا باشد و این موافق است بزیج ایلخانی و در زیج خاقانی آورده است که بیست و ششم
مقتل یحیی عم است و سیزدهم ایلول را عید الصلیب خوانند و در اکثر زیجات بانطاکیه گفته اند و کوشیار در زیج جامع و محیی
الدین در زیج صغیر آورده اند که چهاردهم ایلول عید الصلیب است و اصل و آنست که مریم بود آن کسی که عیسی عم از ایشان
[illegible] بود و بکوه رفته بود او را بدست آوردند بدلالت یکی از اصحاب او که غدر کرده بود او را در روز جمعه بر دار
کردند و آن روز را جمعة المصلوب خوانند و بعد از آن یکی از ملوک روم به بیت المقدس آمد و طلب آن چوب کرد که
عیسی را بر آن مصلوب کرده بودند پس آن چوب را با دو چوب دیگر شبیه بآن که دو دزد را بر آن دو چوب صلب کرده بودند
بدست آورد و میان آن چوبها تمیز نمیشد پس هر یکی از آن چوبها را بر مرده نهاد و چون نوبت بآن چوب رسید که عیسی را
بر آن صلب کرده بودند آن مرده زنده شد بامر الله تعالی پس دانستند که آن چوب چوب مطلوبست و آن روز را بجهت یافتن
آن چوب عید ساختند اما در بیان تاریخ یزدجرد باید دانست که فارسیان ایام اسابیع نبوده است لیکن روزها که ماه را تا سی روز
و آن بر نسق است که ذکر میشود روز اول از ماه ایشان اورمزد دویم بهمن سیم اردیبهشت چهارم شهریور پنجم اسفندارمذ

[illegible]

[illegible]

ودر اوسط این منازل که ادویه مشاهیر و ثلثی قطع کند و عرب آن ثلثه را تقسیم کرده اند و منازل را ۲۸ گرفته اند و گویند

که قمر در هر شبانروزی در یکی از منازل بود و میان هر دو منزل بعدی بود و آن در هر منزلی کمتر از یک شبانروز باشد

و هر برجی را منازل ۲۸ گویند دو منزل و ثلثی است چنانچه هر هفت منزل سه برج تمام باشد و اهل هند آن ثلثه را

اعتبار کرده اند و منازل را ۲۷ گرفته اند و اسامی این منازل که ذکر کرده شد

اند که در آن منزل واقع است سوای منازلی که در آن کوکبی نیست و اگر کسی کوکبی ازین کواکب کشف کند

بر او کشف نکنند و دلایل خیر و نامهای منازل این است شرطین و بطین و ثریا و دبران و هقعه و هنعه و ذراع

منزل اول شرطین است یعنی علامت و چون علامت منزل اول است از منازل این نام دارد

کواکب است بر قرن صورت حمل و بعضی آن کوکبی را که از بین دو کوکب که بر قرن دیگر است با کوکبی روشن خارج از

صورت که سمی است بناطح شرطین گویند و بطین سه کوکب صغیر است بر صورت مثلث متساوی الاضلاع از صورت حمل

و بزعم عرب بر بطن حمل است و بطین تصغیر بطن است و بعضی گویند سه کوکب است از کواکب خارج صورت

حمل و ثریا و آن را النجم نیز گویند ۷ کوکب است و آن تصغیر ثروی است ماخوذ از ثروت یعنی کثرت

و بزعم عرب آن بر دنب صورت حمل است و آن را نجم گویند

این کواکب با این اسم مسمی اند و بعضی گویند که با آنکه در انواء واقع شود

می شود از جهت آن ثریا گفتند و دبران هم از کواکب ثور است و آن را تابع النجم و حادی النجم نیز گویند و آن را

کوکبی سرخ و روشن از دنبال ثریا کواکب صغیر بر صورت حرف دال است و این کوکب بر طرف ضلع آن صورت است

[illegible]

کلبان دو کوکب بر صورت سرطان اند ...

[illegible]

ترتیب بروج و ... فصل سیم در بیان بروج و بعضی از آنچه بدان تعلق دارد

پنجم تا آخر ماه که آن را استخراج تقویم از ... دوازده گانه تقویم او را استخراج و وضع شده است

از برای ایام شهور تواریخ جدول اول از برای ماههای فارسیه و دوم از برای ماههای رومیه جدول سیم از برای ماههای

عربیه و اینها بر آن ترتیب که واقع است در جدول فصل سیم در بیان بروج و بعضی از آنچه که تعلق بدان دارد

باید دانست که دور فلک هشتم که همه کواکب در وی است به ۱۲ قسم متساوی قسمت کرده اند و آن به ۱۲ قسم را به ۱۲ اقسم

کرده اند و هر قسمی را برجی خوانند و هر برجی را به سی قسم کرده اند و هر قسمی را درجه خوانند چنانکه قبل ازین

در مقاله اول ذکر شد اما در بیان علامات بروج و اوصاف ایشان این است که حمل را ... ثور را

نهاده اند ... رقم هر برجی که از اعداد ابجد است حمل را صفر نهاده از جمله الف ثور و ب جوزا و ج سرطان

د اسد و ه سنبله و و میزان و ز عقرب و ح قوس و ط جدی و ی دلو و یا حوت

علامات رقم درجه و دقیقه بعد از رقم ایشان است و آنچنان است که رقم اول علامت درجه است و رقم دوم علامت دقیقه

و رقم سیم ثانیه و رقم چهارم ثالثه الی هذا القیاس مثلا چون خواهند که بدانند که روز دوم فروردین

شمس در کدام برج است از بروج دوازده گانه رقم او را چنین ثبت نمایند ... برج و رقم دوم چنین

... یعنی شمس در برج حمل است ... درجه و پنجاه و هفتم دقیقه باشد و بیست و چهار

ثانیه و پنجاه و هشت ثالثه و پنجاه و سه رابعه و پنجاه و سه خامسه است و همچنین تا آخر اما از برای ساعات رقم اول

اول برای درجه و رقم دوم از برای دقیقه ساعت مثلا چون خواهند که روز نوروز را بدانند که چند ساعت است

رقم از چنین باشد یب یعنی دوازده ساعت و صفر تا ساعت و رقم روز دوم چنین یب ... و رقم روز سیم

تا آخر فصل چهارم در بیان علاماتی که تعلق با انتقال قمر دارد از برجی به برجی دیگر باید دانست که قمر دور

فلک را به بیست و هفت شبانروز و ثلثی تمام کند و هر برجی را زیاده از دو روز و کمتر از سه روز قطع کند و ضابطه او

قمر به برج ... آنچه از ماه شده و چند آن که برج دیگر ... حاصل ...

... بعد از آن

منزل کوکب ... فصل پنجم در بیان معرفت ساعات از ظل مقیاس

هر چون خواهی بدانی که از روز چند ساعت گذشته و یا چند ساعت باقی مانده فرا گیر چوبی را که طول آن دوازده اصبع

باشد و در موضع مستوی نصب کن بعد از آن نظر کن که ظل چوب چند اصبع است و بر آنچه باشد مثل طول مقیاس بر وی

زیاده کن یعنی دوازده اصبع زیاده کن بعد از آن مثل ظل زوال آن روز که با اصابع عمل کرده باشی از آن طرح کن پس آنچه

مانده باشد هفتاد و دو را بر وی قسمت کن پس خارج قسمت ساعات گذشته باشد از آن روز اگر اعتبار قبل از زوال کرده باشی

و یا ساعات باقی از روز باشد اگر بعد از زوال باشد مثلا چون مذکور در اول روز یعنی قبل از زوال ده اصبع بود و از

ده اصبع دیگر بر آن افزودیم بیست و چهار شد و ظل زوال آن روز سه چوب بود یعنی دو اصبع از و ساقط کردیم

هفتاد و دو را بر وی قسمت کردیم خارج قسمت سه شد و سه ساعت بود ... ساعات از روز گذشته

از ساعات معوجه اگر این حال بعد از زوال باشد گوییم سه ساعت و دو سبع ساعت از روز باقی مانده و مراد از ساعات معوجه آنست

که در وی روزه ... باشد ... فی الجمله ... و الاینست ... بود نصف

ربع ... ختم کردیم والسلام ... اگر مقیاس ... ذرع باشد

... درجه باشد ... و سایه اگر ...

خواهد بود فصل ششم در بیان ثابت و منقلب و ذو جسدین و آبی و خاکی بروج و منازل قمر و غیر ذلک باید دانست که سه برج آتشی و

شرقیست حمل و اسد و قوس و سه برج خاکی و غربی ثور و سنبله و جدی و سه برج بادی و جنوبی جوزا و میزان و دلو

و سه برج آبی و شمالی سرطان و عقرب و حوت منظوم ... برج ... اند ... بیان

اول و دوم سرطان ... عقرب ... دلو و ... قوس و جوزا و

حوت ... اگر ... خواهی ... در بیان منازل اول

از برج ... باشد ... در بیان هفتم و هشتم ... بعد از ...

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم بر زیجی سعادت و اقبال در آمدن سال الاول از دور اثنی عشریه ترکی که اول [illegible]

بختای [illegible] گویند حکمای ختا و ایغور و ترک و تاتار متفق‌اند که چون سال [illegible]

آید دلالت کند که در آن سال فتنه و آشوب و خون ریزش بسیار بود و وقتی که هوا اختلاف کرده و ملوک و سلاطین

تمنا [illegible] باشند و دزد و قطاع الطریق بسیار بود و مردم را اذیت رسانند و از ملوک احتراز باید کرد و راز خود با کسی

نباید گفت که موجب هلاک خواهد بود و در این سال غیر [illegible] و باران کم [illegible] باشد و میوه [illegible] بسیار

با وجود آنکه از بادها [illegible] و خلل بسیار [illegible] و در این سال [illegible] بسیار بود [illegible]

حشرات الارض زیان رسد و در میان زنان [illegible] از مکر و حیله [illegible] و زنان [illegible]

[illegible] و در وسط سال [illegible]

و اهل [illegible] و نقصان روی نماید و بارندگی [illegible] و زمستان دراز کند [illegible]

و تابستان [illegible] گرم کند [illegible] در میان اهل اسلام [illegible] و کشت [illegible] کوهستان را آفت رسد

و آنچه در باغ باشد نیکو باشد و در طرف کرمان و حوالی و نواحی آن آشوب و هلاکت بسیار بود و [illegible]

[illegible] و غلبه [illegible] بیرون آمدن لشکریان [illegible]

و آذربایجان و شاید که بعضی نواحی را خراب کنند و اهل بغداد را قوت بود و دختران [illegible] و زنان [illegible]

بچه [illegible] و در ثلث اول این سال بوجود آید [illegible]

[illegible] و آنکه در ثلث وسط [illegible]

و آنکه در ثلث آخر متولد گردد [illegible] و جاهل [illegible] باشد **در آمدن سال دوم** از دور اثنی عشریه

حکمای ترک و ختا و ایغور و تاتار متفق‌اند که چون سال [illegible] در آید که ترکی اود و [illegible] گویند و بعربی بقر و بختا [illegible]

و بهندی [illegible] دلالت کند که در این سال نعمتهای فراوان باشد و آب و باران بسیار آید و لیکن [illegible]

سرما سخت بود و [illegible] باشد و ملوک را غم و اندوه رسد و در اطراف عالم تشویش و جنگ و خون

ریزش بسیار بود و مردم از امراض مختلف در رنج و آزار باشند و بیشتر از درد [illegible] باشد و در میان امرا و

بزرگان

بزرگان خون ریزش واقع شود و با یکدیگر کینه و عداوت ورزند و فتنه کنند [illegible]

[illegible]

در آمدن سال سوم [illegible]

[illegible]

در آمدن سال چهارم [illegible]

[illegible]

در آمدن سال پنجم [illegible]

[illegible]

وقت

وقت طلوع [illegible]

[illegible]

خاتمه [illegible]

فصل اول [illegible]

در ثلث اخیر سال بوجود آید بخوبی و بشره و بر تندرستی باشند و اگر در ثلث میانه ابر اسب باشند و اگر درباشند بخت باشد

[illegible]

در آمدن سال هشتم

تا دیگر نه دوایر شمار برده و از دو ماه بود که جمیع حوادث روزگار از افعال و خصایل آن بجانوران دادند که

و هر یک را نسبت بجانوری کرده اند و آن سال را بنام آن جانور خوانند و حوادثی که در آن سال واقع شود از افعال و

خصایل آن جانور میدانند که نوبت سال با او رسیده است و مبدا هر سال را از اجتماع گیرند که در وسط برج دلو

واقع شود و آن روز را انجمن و کوکلش خوانند که عبارت از نوروز ایشانست و در آن روز جشن عظیم

کنند و بسیر و گشت مشغول شوند و مبدا شهور ایشان بعد از اجتماع نیرین است و دوازده دیگر در میان ایشان

لیکن ایراد آن درین محل باعث تطویل کلام می شود و حکمای مذکور بر آنند که چون سال بوسیچی در آید

کنند که ملوک و سلاطین و امرا و وزرا و اعیان ممالک و اشراف و اهل قلاع و جبال و صحرا نشینان با هم دیگر

منازعت و مخالفت کنند و در طرف جنوب و بلاد عرب ما کر حرکت در آیند و فتنه و آشوب و جنگ و جدال و قتل و قتال

و قیل و قال در میان ایشان بظهور آید و القصه تاراج و خونریزی بسیار واقع شود و خلق از ظلم و تعدی بهرامان

و گریزان شوند و پریشان خاطر گردند و مردم معروف و اعیان و بزرگان و اشراف از امور مملکت نالان باشند و بعضی

از ایشان بقتل رسند و بزندان گرفتار گردند و لشکر از بعضی از ایشان بیرون در آیند و شخصی بر پادشاه بزرگ خروج کند

و فتنه و آشوب و خونریزی بسیار نماید و بیم آن بود که پادشاه را بگیرند و لشکر عظیم از جانب مشرق و شمال بحرکت

در آیند و قصد همدیگر کنند و جنگ عظیم در میان ایشان واقع شود و ظفر و نصرت لشکر مشرق را بود و بعضی از

ولایت مغرب و مشرق و مغرب ... واقعه عظیمی ... بفعل آید و دزدان و راهزنان بسیار شوند و حال تجار از ...

... در دریا باشند ... و کشتیها را در دریا ... آفت عظیم رسد و باز ...

و بیماری بهایم ... و گاو و گوسفندها را آفت رسد ... در بعضی مواضع ...

شود و در بعضی مواضع اندکی کم کند و کشت و زراعت خوب آید لیکن اکثر ... جنوب و شمال بسبب ...

... و باران ... و میوه ... بسیار روزه ... برآید و رعد و برق و صاعقه ... بسیار بود ... ظاهر شود و تابستان بسیار گرم ...

بسیار سرد ... و ماکولات و مطعومات در اکثر مواضع ارزان یابد و در بعضی مواضع کمتر بدست آید و در بلاد هندوستان

بارشکال اندر آید خوب کند و سیلها عظیم آید و در بعضی مواضع کم کند و در آخرهای فصل خوب آید

و سیلها آید و نوالد و تناسل بسیار بود و هر مولودی که در ثلث اول این سال از کتم عدم بوجود آید مقرب

سلاطین باشد و کارساز و دانا ... فصیح الخلق باشد و بیخور و آنکه در ثلث دوم سال آید شجاع و

فاضل و صاحب ادراک و خوش خلق بود و آنکه در ثلث سیم سال بوجود آید ابله و فاسق و بخیل و حسود و مفتن

باشد و اکثر ... طرف مشرق و شمال و مغرب و بلاد هند و سند ... و مدینه طیبه و بادیه عرب

و بلاد روم و حبشه و ترکستان بوده باشد در آمدن سال هشتم از دوازده اثنی عشر ترکیه حکمای خطا و چین و

ایغور ... متفق اند که چون سال گوسفند در آید که بعربی غنم و بخطایی ... و بترکی قوین ییل گویند دلیلست که

درین سال نعمت فراوان گردد و مردمان مایل بخیرات و تصدقات باشند و باران کم بود و اگر فتنه و آشوب روی نماید

زود دفع شود و آرام گیرد و سپاهیان و خواجگان خوشحال باشند و ملوک و سلاطین بر رعایا شفقت کنند و زمستان

دراز کشد و برف گران گردد و غله را آفت رسد و بیماری در مردمان بسیار بود و هر فرزندی که در ثلث اول این سال بوجود

آید خوب صورت و فراخ روزی و بلند همت باشد و آنکه در ثلث ثانی بوجود آید دشمن انگیز و بیوفا و کم فرزند

و آنکه در ثلث ثالث بوجود آید ابله روی و کوتاه عمر و ابله باشد والله اعلم در آمدن سال نهم از دوازده اثنی عشر ترکیه

ترکی ... ییل گویند و بعربی ... و بفارسی ... خوانند حکمای ترک و دشت قبچاق متفق اند که چون سال ...

در آید دلیلست که سال ... بود و در ... در بعضی بلاد آفت رسد و محصولات ... باشد و بیماری ...

پایان بود از اسب و استر و دزدان و عیاران و مردم را ستم رسد و زمستان بغایت سرد کند ...

در آمدن سال دهم از دوازده اثنی عشر ترکیه حکمای خطا ... کمتر باشد و گرند کان ... باشد و زمستان زود ... آید

و ایغور و چین و ترک متفق اند که چون مرغ در آید که او را بترکی تخاقوی ییل و بفارسی مرغ گویند در آن سال دلالت کند

[illegible]

الغرض ... و انجمن ... بسیار ... و زمستان زود در آید و سرد کند و ...

[illegible]

در آمدن سال

[illegible]

خلاف ... و بسیار واقع شود ... و بسیار شیوع ...

گوسفندان بود و بسیار ... و دزدان و راهزنان در میان مردمان و رعایا از جای بجای نقل و تحویل نمایند و در میان رعایا

و عوام الناس تشویش افتد و چون سال ... نعمت ... در میان مردمان ... بسیار ...

سرما و برف بود ... انگور و هندوانه و خربزه ... باشد و در آخر زمستان

سرما بیشتر از اول باشد و هر فرزندی که درین سال از کتم عدم قدم بشهرستان وجود نهد در اول سال ...

جهانسوز و خودرای و آنچه کند برای مصلحت خویش کند و خود را از همه بکرد ... و آنکه در وسط سال

آید احمق و سفیه بود و آنکه در آخر آید شجاع و دلیر و مردانه و همت بلند باشد والله اعلم بالصواب فصل دویم

در بیان احکام سال عربی از قول حضرت امیر علیه الصلوة و السلام قال امیر المؤمنین علی علیه السلام هر کاه غره محرم

در روز شنبه باشد دلیلست بر آنکه زمستان بسیار سرد باشد و بادها بسیار آید و از غلات گندم کم باشد ...

در زمین بابل و باران ... باشد ... بسیار ... و در میان ... بهایم ...

آفتی که ایشان ... و در میان ... باشد ... و مرگ اطفال ...

باشند ... و موت بسیار واقع شود ... شهرها باشد

... و اطفال بسیار باشد ... و حاصل ...

... ستاره ... بسیار ... و باران ...

... و بعضی ...

... بسیار ...

... و باران بسیار باشد ...

باشد ... و ... پادشاه ... و غارت کنند بعضی از شهرها را

و بوده باشند یا ... و در این سال دمل و آبله بهم رسد و مرغ درین سال بسیار باشد کم شود که علم در اقلیم

و ... باشد در آن اقلیم ... که موجب هول باشد و قیمت بهم رساند در آن اقلیم روغن و برنج و گوشت و عسل و نبات

و ... مرغ ... خوب باشد انگورها و میوه ها در بلاد فارس و کوهستانات و برسد ...

آفت ... و همچنین بلاد ... و ... بسیاری ... شهرها و ...

... باران ... بسیار سرد باشد و واقع شود در زمستان ...

... در آخر ... و کم شود مرغ ...

... درین زمین ... بزرگی و حاصل شود ... موت بزرگی و ... باشند ...

شوند و غارت کرده شوند و یکی از ماه و آفتاب گرفته شود درین سال ... بسیار شود و کم شود در آن برکت ...

... درین سال ...

و بعضی گفته اند که درچنین سال ... والله اعلم

و الحکمة قال امیر المؤمنین علی علیه السلام هر کاه غره محرم روز یکشنبه باشد دلیلست بر آنکه زمستان ... باشد

و ... درین سال ... و باران بسیار باشد و میوه ها بسیار باشد و خوب باشد

مزارع ... در بعضی شهرها ... و بعضی از زمین بغداد و آنچه متعلق بآن باشد ...

از نواحی خطا ... و کوهها ... گوسفندان ...

... آبله در اطفال کوچک ... و واقع شود موت در زنان ...

... بسیار ... موت در ...

... درین سال ...

[illegible]

[illegible]

و مرگ کشته شود و موت بهم رسد اهل دیلم را و بیابد مردم دیار این مرض و بیماری و [illegible] شود در روم [illegible]

[illegible] بعضی از ایشان بر بعضی و قتلها بسیار شود در زمین فارس و بصره و این سال زمستان سرد باشد و تابستان کم

بادشاهان [illegible] **قال امیر المؤمنین علی علیه السلام** هر گاه

[illegible] و بهار و پاییز خوب باشد و این علامت بهم رسد بعد از این والله اعلم و احکم

هلال المحرم در روز پنجشنبه دیده شود زمستان کم باران باشد خصوصا در اول سال و ابرها بسیار از بر بهم رسد و بسیار

شود باران در آخر سال و وفور بهم رساند غلات و میوها در جمیع شهرها و نرخها ارزان شود در زمین فارس و هند و

[illegible] گران شود نرخها در زمین بابل و مصر و برسد بایشان آفتی در زراعتهای ایشان و آنچه نزدیک باوست و لیکن [illegible]

و ماهی بسیار باشد و روغن گران شود و پاییز و شیر و عسل و [illegible] و ملخ و بیماری شود پنبه و حبوب خوب شود [illegible]

در بلاد [illegible] و غیر او و بسیار شود لیمو و ترنج و نیکو شود انگور و زرد آلو [illegible] و صالح باشد [illegible]

و بسیار شود عسل و خرما و خوب شود دهقانهای شام و نواحی او و لیکن حاصل شود مر آن دهقان الخوف و بسیار شود [illegible]

[illegible] چند روزی و متغیر شود چند روزی و برسد بزراعتهای نخلها آفتی و شاید بعضی بالمها [illegible] و حاصل شود

[illegible] در آخر سال و واقع شود در زمین بابل جنگ و گرانی و زور آور شود روم بر مسلمانان و غلبه بر مسلمانان [illegible]

بر روم و اهل [illegible] جنگ عظیمی روی دهد و شاید که جماعتی از ایشان کشته شوند [illegible] بعضی از بعضی شهرهای

بادشاه و غلامان او [illegible] در زمین فارس اختلاف عظیمی [illegible] شود زمین [illegible]

[illegible] واقع شود در هر شهری و ظاهر شود دزدان و قطاع الطریق و حکام جور کنند بر رعیت و اطفال بسیار تلف شود

[illegible]

جدول معرفة اختیارات مبنی بر قمر در منازل

منازل	
بطین	نیکست سواری و نو پوشیدن و سفر را
ثریا	نیکست دیدار ملوک و نو پوشیدن را
دبران	نیکست طلب حاجات و نو پوشیدن و سفر
هقعه	بدست جمله امور خاصه سفر کردن
هنعه	نیکست دیدار ملوک و نو پوشیدن را
ذراع	نیکست ابتدا الفت و تزویج و سفر کردن را
نثره	نیکست نو پوشیدن و دیدن اکابر
طرف	نیکست دیدار اکابر و سفر بدست و نو پوشیدن
جبهه	بدست جمله امور خاصه نو پوشیدن را تغییر از حجامت و انسان
زبره	نیکست دیدن ملوک و تزویج و بنا کردن
صرفه	بدست نو بریدن و پوشیدن و دیدار ملوک
عوا	نیکست دیدار اشراف و نو پوشیدن را
سماک	توقف در مهمات اولیست
غفر	نیکست سفر و نو پوشیدن و ابتدا الفت را
زبانا	بدست نو پوشیدن و سفر کردن را
اکلیل	بدست جمله مهمات خاصه نو پوشیدن را
قلب	نیکست زرع و بیع و دواب و بیرگ خریدن را
شوله	بدست ابتدا الفت و نو پوشیدن و سفر را
نعائم	نیکست ابتدا کار و نو پوشیدن را
بلده	توقف در مهمات اولی است
ذابح	نیکست زرع بدست نو پوشیدن و سفر را
بلع	نیکست دیدار ملوک و نو پوشیدن و سفر را
سعود	نیکست ابتدا الفت و نو پوشیدن و تزویج را
اخبیه	نیکست حصار و قلاع و تدبیر کردن
مقدم	نیکست دیدار ملوک و نو پوشیدن
موخر	نیکست دیدار ملوک و نو پوشیدن و سفر را
رشا	نیکست دیدار و نو پوشیدن و تزویج را

جدول معرفة احکام خطوط کواکب بعد بروج اثنی عشر بیه

	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حمل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ثور	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
جوزا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سرطان	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اسد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنبله	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
میزان	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عقرب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
قوس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
جدی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دلو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حوت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول [illegible]

وکم شود طعام و در این سال وقت خوب و این علامت مردی عظیم الشان در شام کشته شود و اطفال صغار را در هلاک ... [illegible]

جدول معرفة احکام بنکریاله و زعن قول الحکما

حکما ترك گویند که ستاره هست آنرا سکریاله و زخوانند اهل خطا و ایغور آنرا شوم دانند و بسیار تفحص از حال وی نموده اند و آنرا حرکتی معین است و ابتدا دور آنرا از اجتماع گیرند و هر پانزده روز دوری تمام کند ابتدا از مشرق گیرند و گفته اند که هرگاه بسفری روند یا ابتدا کاری عظیم کنند نشاید که روی در آن طرف کنند که آن کوکب در آن طرف باشد خصوصا در شطرنج و حرب و در آغاز کارها باید که در زیر زمین بود و این دایره را وضع کرده اند تا معلوم باشد که هر روز از ماههای ترکان در کدام جانبست و از چه کار احتراز باید کرد تا از شر او ایمن باشند والله اعلم

جدول و معرفة احکام ذوذوابه

اتفاق حکماست که ذوذوابه نحس است و هر وقت که ظاهر گردد در عالم فتنه و شورش ظاهر شود و حکم آن از آن برج طلبند که ذوذوابه در آن بود و همیشه آن را پیش از نیم شب مغرب گیرند و بعد از نیم شب مشرق چنانچه درین جدول نموده میشود والله اعلم

برج	شرق	برج	جدول زلازل در موضع شمس
حمل	قتل پدید آید	حمل	دلیل بود بر قصد بزرگان و اعیان
ثور	فتنه و آشوب بود	ثور	دلیل بود بر آفت رسیدن بر زرعها
جوزا	تنگی در مدینه باشد	جوزا	دلیل بر بیماری و رنج مردم
سرطان	قحط و تنگی غله باشد	سرطان	دلیل بود بر قصد بزرگان و سلاطین
اسد	دزدان غلبه کنند	اسد	دلیل بود بر حرکت کردن ملوك
سنبله	مردم بدی کنند	سنبله	دلیل بود بر آفت رسیدن بر زرعها
میزان	کثرت دزدان بود	میزان	دلیل بود بر بیماری و رنج مردم
عقرب	رعیت بدی کند	عقرب	دلیل بود بر قصد لشکریان و مردم
قوس	خون بهار ریخته شود	قوس	دلیل بود بر کمی آب و رنجها
جدی	آفت مردم باشد	جدی	دلیل بود بر آفت رسیدن بر زرع
دلو	قتل پدید آید	دلو	دلیل بود بر قصد دهاقین
حوت	کشتیها غرق شود	حوت	دلیل بود بر قصد فتنه و قتل
بروج	غرب	بروج	جدول رعود در موضع شمس
حمل	باران خراب گردد	حمل	دلیل بود بر ارزانی نان و نعمت
ثور	مردم بدی کنند	ثور	دلیل بود بر تنگی نان و نعمت
جوزا	فساد آشکار شود	جوزا	دلیل بود بر خوشدلی [illegible]
سرطان	[illegible] کند	سرطان	دلیل بود بر بودن باران [illegible]
اسد	[illegible]	اسد	دلیل بود بر خوشی کار بزرگان
سنبله	وبا آشکار شود	سنبله	دلیل بود بر ارزانی نان و نعمت
میزان	فتنه ظاهر گردد	میزان	دلیل بود بر سلامتی [illegible]
عقرب	رعیت بدی کنند	عقرب	دلیل بود بر قصد اعیان و بزرگان
قوس	عجز ملوك بود	قوس	دلیل بود بر ارزانی نرخها و کثرت غله
جدی	انهار را عیب بود	جدی	دلیل بود بر آبادانی جهان
دلو	تغییر فتنه باشد	دلو	دلیل بود بر قصد دهاقین
حوت	قتل و آشوب بود	حوت	دلیل بود بر ارزانی نرخها و کثرت غله

جدول معرفة دیدن هر ماه در بروج اثنا عشریه		جدول اختیارات حاجات بر بودن ماه در حالت سفوح
حمل	چون ماه درین برج نو شود در آتش افروخته یا در آب روان نگرد و حذر کند از دیدن [illegible]	فی الشرف: نیکست بنای مساجد و مدارس و تزویج و شراکت و سفر و عمارت و بیع و شری حالات و زراعت کردن
ثور	در روی صاحب دولتان و جواهر و جوانان نگرد تا مبارك باشد و حذر کند از دیدن سباع و [illegible]	مع الرأس: نیکست دیدار علما و فضلا و سادات و ائمه و قضاة و بنیاد نهادن بنا و خیرات و صدقات و میراث را
جوزا	در روی مردم عالم صاحب زاهد نگرد یا در آب روان یا جواهر و حذر کند از مردم مجهول و نابینا	بعید الاتصال: شاید حمام رفتن و ناخن چیدن و موی سر ستردن و آرایش ساختن و هرچه برین ماند
سرطان	در آب روان صافی و سبزه و جواهر آبی نگرد و حذر کند از دیدن شریر و غماز	تحت الشعاع: هیچ شغل و عمل و کاری نشاید مگر پنهان کردن و دفینه نهادن و گفتن اسرار را
اسد	در ایمان بارزنا آتش نگرد و سه نوبت لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بگوید و حذر کند از دیدن مرده و [illegible]	سریع السیر: نیکست لهو و طرب و لعب و تزویج و بیع و شرکت و سفر و قلاع و تهیه و استحمام و طلب لذات را
سنبله	در روی خاتون نیکو آیین و سبزه نگرد و حذر کند از دیدن جبین سیاه و دود و خاك	الواقع بین سعدین: نیکست صحبت ائمه و علما و فضلا و اهل هنر داشتن و طلب حاجات و مرادات و لذات از ایشان
میزان	چون ماه درین برج نو شود در آینه نگاه کرده سه نوبت فاتحة الکتاب بخواند و بر خود بدمد و حذر کند از دیدن نجاسات و مکروهات	الهبوط: به هیچ کاری و مهمی نشاید الا به هلاك دشمن و دارو و مسهل خوردن و حمام رفتن و ناخن چیدن
عقرب	در روی مردم خوب خوش گفتار یا مصحف مجید نگرد و در روی ترکان و حمله سلاح و حذر کند از دیدن مردم بد نفس و عوام	مع الذنب: هیچ شغلی و مهمی را نشاید مگر حیلت کردن و کمین ساختن و ظفر جستن بر بر دم
قوس	در روی علما و سادات و زر و سیم و جواهر آبی نگرد و حذر کند از دیدن مردم بد نفس و منافق موذی	مع الکید: بدانست طلب حاجات و مهمات از اجلا و اشراف و تجارت و نقل و حرکت کردن از جایی بجایی
جدی	[illegible]	بطی السیر: نیکست [illegible] و خیرات و صدقات و عبادت
دلو	در مصحف یا سماع و اهل تقوی نگرد و سه نوبت رحمت بخواند و بر خود دمد و حذر کند از دیدن مردمان بد کار	[illegible]: هیچ کاری و مهمی نشاید مگر قصد دشمنان کردن و طلسمات دشمنی و عداوت ساختن
حوت	در مصحف یا در روی علما [illegible]	محسوب بین نحسین: هیچ شغل و عمل و کاری نشاید مگر قصد دشمن و قتال و حرب و عداوت و خصمان [illegible]

بحر حساب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
قمرها	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

در معرفت ایام الشهور العربیه [illegible]

محرم	صفر	ربیع الاول	ربیع الاخر	جمادی الاول	جمادی الاخر
رجب	شعبان	رمضان	شوال	ذی القعده	ذی الحجه

فی معرفة الشهور الشمسیه رومیه

تشرین الاول	تشرین الاخر	کانون الاول	کانون الاخر	شباط	اذار
نیسان	ایار	حزیران	تموز	آب	ایلول

بدانکه چون خواهی داند
بر دیگر شود ایام را که
از هفته هر یا شباط
روی کنش ترا ایک سه نیش
نوبش طرح کند اگر
تجا ها نقصات شبانه یاز
کند وکرسیکه نوشته اش
باید و شکل اینست

چون کسی خواهد که کدر کاری
شروع کند ایام را که از نوروز و سلطانا
که گذشته اند بیرون شنبه و شطرنج
کند و نظر کند که چه اثر مانده بعد
از آن ایام را در این جدول طلب
کند و حکم
آن معلوم
نماید اینست

۱	۲	ج	۴	ه	و		سه	شانه	نیات	
د	۸	۹	۱۰	۱۱	یب					
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	ح	۴۷	۱۷	۳	۲۶	۱۴ ۲ ۲۲ ۱۳ ۱
۱۹	۲	کا	۲۲	۲۳	کد	۲	۱۸	۶	۲۹	۱۷ [illegible] ۳
۲۰	۲۶	کر	۲۸	۲۹	ل	۳۳	۲۱	۹	۳۲	۲ ۹ ۳۱ ۱۹ ۷
۳۱	۳۲	لج	۳۴	۳۰	لو	۳۶	۲۴	۱۲	۳۵	۲۳ ۱۱ ۳۴ ۲۲ ۱

جدول احکام حوادث زمان که از بودن قمر در بروج

برج	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
[illegible] کردن کار	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
نشستن کودکان بمکتب سلام	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول اختیارات ساعات شب و روز

	ح	ط	ی	یا	یب	و	ی
	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ
له / ما	دیدن ملوک دیدن	تزویج و زفاف	تعلیم و نامه نوشتن	رسول فرستادن	دها قین را دیدن	قضاة و علما را دیدن	ستور و برده خریدن
	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد
لو / سب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری
لز / *	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره
لا / ند	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل
لد / نه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس
لو / سو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
لد / س	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ایام	جدول معرفت اختیارات ایام قمریه از قول امام جعفر صادق علیه السلم	ایام	جدول معرفت احکام بیمار از قول حکما در ایام قمریه
ا	نیکست تزویج بیع و شری و سفر کردن	اول	زود برخیزد و راحت یابد
ب	مبارکست تجارت و طلب حاجات را	دوم	زود برخیزد و راحت یابد
ج	بدست جمله حاجات خاصه دیدار ملوک و سفر را	سیم	سخت بود و کشنده است
د	نیکست جمله حاجات الا سفر کردن را	چهارم	این روز سخت نا بد
ه	بدست جمله امور خاصه دیدن اکابر	پنجم	این روز بغایت بد بود
و	نیکست سفر و صید و بنا نهادن را	ششم	زود صحت یابد
ز	نیکست ساختن بنا و نقل و حرکت را	هفتم	بعد از هفت روز به شود
ح	نیکست همه امور الا سفر کردن را	هشتم	بعد از ده روز برخیزد
ط	نیکست سفر و طلب حاجات را	نهم	زود صحت یابد
ی	نیکست همه امور مگر دیدن عمال را	دهم	زود برخیزد و خوش شود
یا	نیکست دیدار ملوک و سفر و حاجات را	یازدهم	زود صحت یابد و برخیزد
یب	نیکست همه کارها خاصه حاجات را	دوازدهم	بعد از ده روز برخیزد
یج	توقف در مهمات اولیست	سیزدهم	سخت بود و کشنده
ید	نیکست دیدار اکابر و علما و اشراف را	۱۴	زود براحت مبدل گردد
یه	مختارست طلب حاجات و سفر را	۱۵	بعد از سه روز برخیزد
یو	بدست جمله کارها خاصه سفر کردن را	۱۶	سخت بود و خایف باشد
یز	نیکست کارها و وصلت و معامله کردن را	۱۷	بعد از ده روز به شود
یح	نیکست طلب حاجات و نقل و حرکت را	۱۸	زود برخیزد و راحت یابد
یط	مختارست سفر و تزویج و ابتدا امر را	۱۹	بعد از ده روز به شود
ک	نیکست دیدار ملوک و سفر کردن را	۲۰	زود به شود و برخیزد
کا	بدست جمله کارها خلوت اولیست	۲۱	سخت بد بود و کشنده
کب	مختارست سفر و تزویج و عمارات را	۲۲	زود صحت یابد و خوش شود
کج	نیکست دیدار ملوک و مناکحت کردن را	۲۳	بعد از سیزده روز به شود
کد	بدست جمله کارها خاصه سفر کردن را	۲۴	این روز بغایت بد بود
که	حذر از طلب و سفر اولیست	۲۵	این روز بغایت سخت بود
کو	مبارکست همه امور الا تزویج و سفر کردن را	۲۶	بزودی برخیزد و صحت یابد
کز	نیکست همه کارها خاصه تجارت و سفر	۲۷	بزودی برخیزد و راحت یابد
کح	نیکست طلب حاجات و نقل و حرکت	۲۸	بعد از سه روز به شود
کط	مبارکست سفر و طلب گمشده کردن را	۲۹	زود صحت یابد و خوش شود
ل	نیکست همه حاجات خاصه حرکت	۳۰	زود برخیزد و به شود

جدول احکام مسیر الجمیع عن قول ارسطاطالیس الحکیم

بدان اسعدک الله فی الدارین که این جدول مسیر الجمیع است حکیم کبیر ارسطاطالیس از جهت اسکندر وضع کرده است و اسکندر ذو القرنین هیچ جنگی شروع نکردی تا از این جدول مشورت حاصل نکردی و ضابطه این جدول چنان است که چون خواهد که احوال دل دو شخص را با یکدیگر بداند از راستی و یکدلی و نا راستی دو دلی ببیند که ایشان را شهرت یا لقب یا کنیت یا آنچه مشهور تر بود حساب ابجد کنند و نه نه طرح کنند بر آنچه از عدد اسم هر یک بعد از طرح نه نه به حساب ابجد باقی مانده باشد زیاده تر را در طول جدول در آرند و کمتر را در عرض جدول در آرند و در موضع التقاء اسمین حال ایشان بدانند والله اعلم

اعداد کلام کثیر	واحد	اثنین	ثلث	اربع	خمس	ست	سبع	ثمان	تسع
واحد	[illegible]								
اثنین	[illegible]	[illegible]							
ثلث	[illegible]	[illegible]	[illegible]						
اربع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]					
خمس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]				
ست	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]			
سبع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		
ثمان	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
تسع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

۱۰

یکشنبه

جدول سالها بیست و کونه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سال اول	شنبه	و ساعت	که دقیقه	شب یکشنبه	یکشنبه
سال دویم	دوشنبه	ا ساعت	ما دقیقه	روز دوشنبه	دوشنبه
سال سیوم	سه شنبه	و ساعت	دو دقیقه	روز سه شنبه	چهارشنبه
سال چهارم	چهارشنبه	ا ساعت	ا دقیقه	شب پنجشنبه	پنجشنبه
سال پنجم	پنجشنبه	ه ساعت	ا دقیقه	شب جمعه	جمعه
سال ششم	شنبه	۲ ساعت	سه دقیقه	روز شنبه	شنبه
سال هفتم	یکشنبه	ه ساعت	۲ دقیقه	روز یکشنبه	دوشنبه
سال هشتم	دوشنبه	یج ساعت	ا دقیقه	شب سه شنبه	سه شنبه
سال نهم	سه شنبه	ه ساعت	ک دقیقه	شب چهارشنبه	چهارشنبه
سال دهم	پنجشنبه	ا ساعت	ما دقیقه	روز پنجشنبه	پنجشنبه
سال یازدهم	جمعه	نه ساعت	لد دقیقه	روز جمعه	شنبه
سال دوازدهم	شنبه	ا ساعت	لد دقیقه	شب یکشنبه	یکشنبه
سال سیزدهم	یکشنبه	نه ساعت	مح دقیقه	شب دوشنبه	دوشنبه
سال چهاردهم	سه شنبه	ا ساعت	لا دقیقه	روز سه شنبه	سه شنبه
سال پانزدهم	چهارشنبه	نه ساعت	نو دقیقه	روز چهارشنبه	پنجشنبه
سال شانزدهم	پنجشنبه	یک ساعت	ه دقیقه	شب جمعه	جمعه
سال هفدهم	جمعه	۸ ساعت	کر دقیقه	شب شنبه	شنبه
سال هیجدهم	یکشنبه	دو ساعت	که دقیقه	روز یکشنبه	یکشنبه
سال نوزدهم	دوشنبه	نه ساعت	لا دقیقه	روز دوشنبه	سه شنبه
سال بیستم	سه شنبه	دو ساعت	ه دقیقه	شب چهارشنبه	چهارشنبه
سال بیست و یکم	چهارشنبه	۷ ساعت	نا دقیقه	شب پنجشنبه	پنجشنبه
سال بیست و دویم	جمعه	یک ساعت	لا دقیقه	روز جمعه	جمعه
سال بیست و سیوم	شنبه	۷ ساعت	ه دقیقه	روز شنبه	یکشنبه
سال بیست و چهارم	یکشنبه	یک ساعت	- دقیقه	شب دوشنبه	دوشنبه
سال بیست و پنجم	دوشنبه	۷ ساعت	- دقیقه	شب سه شنبه	سه شنبه
سال بیست و ششم	چهارشنبه	یک ساعت	مح دقیقه	روز چهارشنبه	چهارشنبه
سال بیست و هفتم	پنجشنبه	نه ساعت	مح دقیقه	روز پنجشنبه	جمعه
سال بیست و هشتم	جمعه	ا ساعت	لا دقیقه	شب شنبه	شنبه

جدول معرفة ساعات کواکب سبعه در ایام اسبوع بدین ترتیب

یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه
اول روز	اول روز	اول روز	اول روز	اول روز	اول روز	اول روز
شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل
نیم چاشت	نیم چاشت	نیم چاشت	نیم چاشت	نیم چاشت	نیم چاشت	نیم چاشت
زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری
نزدیک بزوال	نزدیک بزوال	نزدیک بزوال	نزدیک بزوال	نزدیک بزوال	نزدیک بزوال	نزدیک بزوال
عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ
نماز پیشین	نماز پیشین	نماز پیشین	نماز پیشین	نماز پیشین	نماز پیشین	نماز پیشین
قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس
میان دو نماز	میان دو نماز	میان دو نماز	میان دو نماز	میان دو نماز	میان دو نماز	میان دو نماز
زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره
نماز دیگر	نماز دیگر	نماز دیگر	نماز دیگر	نماز دیگر	نماز دیگر	نماز دیگر
مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد
آخر روز	آخر روز	آخر روز	آخر روز	آخر روز	آخر روز	آخر روز
مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر

جدول معرفة ساعات هر روزی از ایام ماه بحسب بودن آفتاب در هر برجی

	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ید	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ک	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
که	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جانب راست				جانب چپ				
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

	شمس	قمر	زحل	مشتری	زهره	عطارد	مریخ
ذابح							
بلع							
سعود							
اخبیه							
مقدم							
مؤخر							
شرطین							
بطین							
ثریا							
دبران							
هقعه							
هنعه							
ذراع							
نثره							
طرفه							
جبهه							
زبره							
عوا							
سماک							
غفر							
زبانا							
اکلیل							
قلب							
شوله							
نعایم							
صرفه							
بلدع							
رشا							

[illegible]	ا	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه
[illegible]	ب	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه
[illegible]	ج	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه
[illegible]	د	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه
[illegible]	ه	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه
[illegible]	و	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه
[illegible]	ز	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه
[illegible]	ح	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه
[illegible]	ط	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه
[illegible]	ی	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه
[illegible]	یا	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه
[illegible]	یب	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه
[illegible]	یج	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه
[illegible]	ید	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه
[illegible]	یه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه
[illegible]	یو	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه
[illegible]	یز	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه
[illegible]	یح	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه
[illegible]	یط	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه
[illegible]	ک	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه
[illegible]	کا	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه
[illegible]	کب	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه
[illegible]	کج	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه
[illegible]	کد	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه
[illegible]	که	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه
[illegible]	کو	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه
[illegible]	کز	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه
[illegible]	کح	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه
[illegible]	کط	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه
[illegible]	ل	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه

قاعده در استخراج این جدول آنست که از محرم تا [illegible]
آنچه گذشته باشد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

جدول معرفت غره هر ماه از ایام اسبوع از ماههای عربی

حروف	ا	ه	ج	ز	د	ب	و	د
محرم	جمعه	سه‌شنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه	چهارشنبه	دوشنبه
صفر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ربیع الاول	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	شنبه	پنجشنبه
ربیع الآخر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
جمادی الاول	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه	سه‌شنبه	یکشنبه
جمادی الآخر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
رجب	یکشنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه
شعبان	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
رمضان	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه	سه‌شنبه	شنبه	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه
شوال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ذی القعده	شنبه	چهارشنبه	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه	یکشنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه
ذی الحجه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول [illegible] ماههای ناقص هجری

محرم الحرام	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه
صفر الختم بالخیر والظفر	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
ربیع الاول	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه
ربیع الآخر	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه
جمادی الاول	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه
جمادی الآخر	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه
رجب المرجب	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
شعبان المعظم	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه
رمضان المبارک	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه
شوال المکرم	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه
ذی القعدة الحرام	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه
ذی الحجة الحرام	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه

[illegible]

[illegible]

یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه
چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه
یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه
چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه
یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه
چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه
یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه
چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه
یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه

	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ا	سه‌شنبه	جمعه	یکشنبه	چهارشنبه	شنبه	سه‌شنبه	پنجشنبه	یکشنبه	سه‌شنبه	جمعه	دوشنبه	
ب	چهارشنبه	شنبه	دوشنبه	پنجشنبه	یکشنبه	چهارشنبه	جمعه	دوشنبه	چهارشنبه	شنبه	سه‌شنبه	
ج	پنجشنبه	یکشنبه	سه‌شنبه	جمعه	دوشنبه	سه‌شنبه	جمعه	یکشنبه	چهارشنبه	جمعه	دوشنبه	پنجشنبه
د	شنبه	سه‌شنبه	پنجشنبه	یکشنبه	چهارشنبه	چهارشنبه	شنبه	دوشنبه	پنجشنبه	شنبه	سه‌شنبه	جمعه
ه	یکشنبه	چهارشنبه	جمعه	دوشنبه	پنجشنبه	پنجشنبه	یکشنبه	سه‌شنبه	جمعه	یکشنبه	چهارشنبه	شنبه
و	دوشنبه	پنجشنبه	شنبه	سه‌شنبه	جمعه	جمعه	دوشنبه	چهارشنبه	شنبه	دوشنبه	پنجشنبه	یکشنبه
ز	سه‌شنبه	جمعه	یکشنبه	چهارشنبه	شنبه	یکشنبه	چهارشنبه	جمعه	دوشنبه	چهارشنبه	شنبه	سه‌شنبه
ح	پنجشنبه	یکشنبه	سه‌شنبه	جمعه	دوشنبه	دوشنبه	پنجشنبه	شنبه	سه‌شنبه	[illegible]	یکشنبه	چهارشنبه
ط	جمعه	دوشنبه	چهارشنبه	شنبه	سه‌شنبه	سه‌شنبه	جمعه	یکشنبه	چهارشنبه	جمعه	دوشنبه	پنجشنبه
ی	شنبه	سه‌شنبه	پنجشنبه	یکشنبه	چهارشنبه	چهارشنبه	شنبه	دوشنبه	پنجشنبه	شنبه	سه‌شنبه	جمعه
یا	یکشنبه	چهارشنبه	جمعه	دوشنبه	پنجشنبه	جمعه	دوشنبه	چهارشنبه	شنبه	دوشنبه	پنجشنبه	یکشنبه
یب	شنبه	جمعه	یکشنبه	چهارشنبه	شنبه	شنبه	سه‌شنبه	پنجشنبه	یکشنبه	سه‌شنبه	جمعه	دوشنبه
یج	چهارشنبه	شنبه	دوشنبه	پنجشنبه	یکشنبه	چهارشنبه	جمعه	دوشنبه	چهارشنبه	شنبه	سه‌شنبه	
ید	پنجشنبه	یکشنبه	سه‌شنبه	جمعه	دوشنبه	پنجشنبه	شنبه	سه‌شنبه	پنجشنبه	یکشنبه	چهارشنبه	
یه	جمعه	دوشنبه	چهارشنبه	شنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	شنبه	دوشنبه	پنجشنبه	شنبه	سه‌شنبه	جمعه
یو	یکشنبه	چهارشنبه	جمعه	دوشنبه	پنجشنبه	پنجشنبه	یکشنبه	سه‌شنبه	جمعه	جمعه	چهارشنبه	شنبه
یز	دوشنبه	پنجشنبه	شنبه	سه‌شنبه	جمعه	جمعه	دوشنبه	چهارشنبه	شنبه	دوشنبه	پنجشنبه	یکشنبه
یح	سه‌شنبه	جمعه	یکشنبه	چهارشنبه	شنبه	شنبه	سه‌شنبه	پنجشنبه	یکشنبه	سه‌شنبه	جمعه	دوشنبه
یط	چهارشنبه	شنبه	دوشنبه	پنجشنبه	یکشنبه	دوشنبه	پنجشنبه	شنبه	سه‌شنبه	پنجشنبه	یکشنبه	چهارشنبه
ک	جمعه	دوشنبه	چهارشنبه	شنبه	سه‌شنبه	سه‌شنبه	جمعه	یکشنبه	چهارشنبه	جمعه	دوشنبه	پنجشنبه
کا	شنبه	سه‌شنبه	پنجشنبه	یکشنبه	چهارشنبه	چهارشنبه	شنبه	دوشنبه	پنجشنبه	شنبه	سه‌شنبه	جمعه
کب	یکشنبه	چهارشنبه	جمعه	دوشنبه	پنجشنبه	پنجشنبه	یکشنبه	سه‌شنبه	جمعه	یکشنبه	چهارشنبه	شنبه
کج	دوشنبه	پنجشنبه	شنبه	سه‌شنبه	جمعه	شنبه	سه‌شنبه	پنجشنبه	یکشنبه	سه‌شنبه	جمعه	دوشنبه
کد	چهارشنبه	شنبه	دوشنبه	پنجشنبه	یکشنبه	یکشنبه	چهارشنبه	جمعه	دوشنبه	چهارشنبه	شنبه	سه‌شنبه
که	پنجشنبه	یکشنبه	سه‌شنبه	جمعه	دوشنبه	دوشنبه	پنجشنبه	شنبه	سه‌شنبه	پنجشنبه	یکشنبه	چهارشنبه
کو	جمعه	دوشنبه	چهارشنبه	شنبه	سه‌شنبه	سه‌شنبه	جمعه	یکشنبه	چهارشنبه	جمعه	دوشنبه	پنجشنبه
کز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

شنبه یکشنبه

یکشنبه دوشنبه

جدول مدخل سالهای فارسی و مدخل ماههای او

اسامی ماههای فارسی و ایام اسابیع	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	
فروردین ماه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جمعه	[illegible]	یکشنبه	[illegible]	
اردیبهشت ماه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	
خرداد ماه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جمعه	
تیر ماه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	
مرداد ماه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
شهریور ماه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	
مهر ماه	یکشنبه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جمعه	[illegible]	
آبان ماه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	
آذر ماه	[illegible]	جمعه	[illegible]	یکشنبه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
دی ماه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	
بهمن ماه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جمعه	[illegible]	یکشنبه	
اسفندارمذ ماه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	
خمسه مسترقه	جمعه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
بگرمابه رفتن	ک	٢	ه	ک	ک	٢	ه	ک	ک	لا	ه	ک
موی ستردن	٢	٢	ک	٢	٢	ک	ه	بد	ک	٢	ه	ک
[illegible]	٢	٢	ه	ک	٢	ه	ک	ک	ه	٢	ه	٢
ناخن چیدن	ه	ک	٢	ک	ه	٢	ه	ک	٢	٢	٢	٢
شارب گرفتن	ک	٢	ه	٢	ک	٢	ه	٢	ک	٢	ه	٢
کار آتش کردن	ک	٢	ه	ه	ک	٢	ه	٢	ک	٢	ه	٢
کشتی ساختن			ک			ک					ک	
کشتی در آب افکندن	ک	ه	ه	ک	٢	ک	ک	ه	٢	ه	ک	٢
[illegible]		ک			ک			ک			ک	
صناعت [illegible]	ک	ه	ک	٢	ک	ک	ه	٢	ک	ه	ه	٢
صناعت اکسیر	ک		ک		ک	ک			ک			ک
خریدن چیزها	ه	ه	٢	ک	ه	ک	٢	٢	ک	ه	٢	٢
فروختن چیزها	ک	ه	ک	٢	ه	ه	ه	٢	ه	ک	ه	ک
شرکت کردن	٢	٢	ک	٢	ک	ک	ه	٢	ک	ک	٢	ک
مال تجارت فرستادن	٢	ک	ک	ک	٢	ک	بد	٢	٢	ه	٢	ه
وام خواستن	ک	٢	ه	ه	ک	٢	٢	ک	ک	٢	ک	ک
وام دادن	٢	ک	٢	ک	٢	ه	٢	٢	لا	ه	٢	ک
فروختن غله	ک	ک	ک	ک	٢	٢	٢	٢	٢	٢	ک	ک
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	بد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	بد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	بد
عمل محبت و دوستی	٢	ک	ک	ک	٢	ه	ه	٢	ک	٢	ک	ک
عمل عداوت و [illegible]	ک			ک	ک					ک		
تعویذ نوشتن	٢	بد	ک	ک	ک	٢	ک	٢	ه	بد	ک	ک
پیدا کردن کارها	ک	٢	ه	ک	٢	ه	ک	٢	٢	ک	٢	ه

وقت خواندن

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
تعلیم ادب و دبیری	ک	ه	ه	٢	ک	ک	ه	٢	ک	ه	٢	ک
تعلیم سیاست			ک	ک		ک			ک			ک
نامه نوشتن	ک	٢	ه	ک	٢	ک	ک	٢	ه	ک	بد	ه
رسول فرستادن	ک	ه	ک	ک	ه	ک	ه	٢	ه	٢	٢	بد
فرزند بمکتب نهادن	٢	ه	ک	ک	ه	ک	ک	٢	ک	ه	بد	بد
ابتدای [illegible]	ک	ک	ک	ه	٢	ک	ک	٢	٢	٢	٢	ک
نقل و تحویل کردن	٢	ک	ه	بد	ک	ه	٢	٢	ه	٢	ک	ک
اخراج [illegible]	ک	ک	ه	٢	٢	ک	ک	بد	ه	ک	بد	ه
بنا افکندن [illegible]	٢	ک	ک	٢	ک	ک	بد	بد	ه	بد	ک	ک
خرید باغ و بوستان [illegible]	٢	بد	ک	ک	٢	ک	٢	بد	ه	ک	ه	ک
کندن کاریز و چاه	٢	ک	ه	ک	ه	ه	بد	ک	ه	ک	ک	ک
آباد کردن [illegible]	بد	ک	ه	ک	ه	ه	٢	ک	ه	بد	ک	ک
درخت نشاندن	٢	ک	ه	ک	٢	ک	ه	ک	بد	ک	ک	ک
تخم افکندن	٢	ک	ه	ک	٢	ک	ه	ک	٢	ه	ه	ک
تخم [illegible] کردن	٢	٢	ه	ک	٢	ه	ه	ک	٢	ک	ه	ک
[illegible] دادن [illegible]	٢	ک	٢	ه	٢	ک	بد	بد	بد	ک	٢	ک
دفینه نهادن	٢	ک	ک	ک	بد	ه	ک	٢	٢	ک	ه	ک
دفینه برآوردن	ک	ک	ه	ه	بد	ه	ک	٢	ه	٢	ه	ک
ودیعت [illegible] سپردن	ک	٢	٢	ک	٢	٢	ک	٢	٢	ک	ه	٢
[illegible]	ه	٢	بد	ک	[illegible]	٢	بد	ک	ه	٢	بد	ک
طلب [illegible] کردن	ک	ه	ه	ک	بد	ه	ک	ک	ک	ه	ه	ک
شیر دادن بکودک	٢	ک	ه	ک	٢	ه	ه	٢	ه	٢	ه	ک
از شیر باز کردن	٢	ک	ک	ک	٢	ک	ک	ه	٢	٢	٢	ک
طفل در مهد بستن	ک	ک	ه	ک	٢	ه	ک	٢	٢	٢	ه	٢

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
نو جامه پوشیدن	ک	م	ه	ک	م	ه	ک	م	ه	م	م	ک
مهمان رفتن	ه	ه	ک	ک	م	ک	بد	بد	ک	ه	ه	ک
زره ساختن	ک	ه	ک	ک	ه	ه	ک	م	ه	م	ه	ه
تیغ ساختن	ک	ه	ک	ک	ه	ه	ک	م	ه	م	ه	ه
خرید [illegible]	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک	بد	ک	ک	م	ک
خرید [illegible]	بد	ک	ک	ه	ک	ک	م	م	ک	م	ک	ک
لباس [illegible]	م	ه	ک	م	ه	ک	م	بد	ک	بد	ه	ک
[illegible] رفتن	ک	ک	بد	ک	ک	ک	ک	بد	ک	ه	ه	ک
تماشا کردن اسب	ک	ه	ه	م	م	ه	ک	بد	ه	ک	ک	ه
چوگان بازی کردن	ک	بد	ه	ک	م	ه	ک	بد	ه	ک	م	ه
[illegible]	ک	ه	ک	ه	ک	ه	م	م	ک	م	ک	ک
هدیه فرستادن	ک	ک	ه	م	بد	ک	ه	بد	ه	بد	ک	ک
حب خوردن	ک	بد	ه	ک	بد	ه	ک	بد	ه	ک	بد	بد
ختنه و زینت کردن	ک	ه	ک	بد	ه	ه	ه	بد	ک	ه	ه	ک
علاج [illegible]	ک	بد	ه	ک	م	ه	ک	م	ه	ک	بد	ک
علاج بیماری قدیم	ه	ک	ه	ک	م	ه	ه	ک	ه	م	م	ک
علاج [illegible]	ه	م	ک	ک	بد	ه	ه	بد	ه	ک	ک	ک
داروی که صفرا آورد	م	ک	ه	ک	م	ک	ه	ک	م	ک	ه	ک
داروی دفع صفرا	م	ک	ه	ک	م	ک	ه	ک	م	ک	ه	ک
داروی دفع بلغم	ک	م	ه	بد	ک	بد	ه	م	ک	بد	ه	بد
داروی که سودا آورد	ه	م	ه	ک	م	م	ه	ک	ه	م	ه	ک
داروی [illegible]	ه	م	ک	ه	م	ک	ه	م	ک	م	ه	ک
داروی که [illegible] آورد	بد	ک	ه	بد	ک	ه	م	ک	م	ه	ک	ه
داروی دفع [illegible]	ک	ک	ه	ه	ه	ه	ه	ه	ه	ه	بد	بد

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
در [illegible] شدن	بد	ک		بد	ک	ک	بد	ه	ه	ک	ه	ک
بیعت [illegible]	بد	ک	ه	بد	ک	ه	بد	بد	ه	بد	بد	ه
لوا بستن	ک	ک	ک	بد	بد	ک	ک	ک	ک	بد	بد	ک
لوا گشادن	ه	بد	ک	ه	بد	ک	ه	بد	ک	ه	بد	ک
[illegible]	بد	ک	ه	بد	ک	ه	بد	ک	ه	بد	ک	ه
بار دادن [illegible]	ک	ه	ه	ک	بد	ه	ک	بد	ه	بد	ه	ه
مجالس [illegible]	بد	ک	ک			ک	ک	بد				
[illegible]					ک			بد	ک			
اوقات دعا کردن		ک					ک		ک			ک
کتاب [illegible]	بد	ک	بد	بد	ک	ک	بد	ک	ک	بد	ک	ک
دعوی کردن	بد	ک	ه	بد	ه	ه	ک	ه	ه	بد	ه	ه
[illegible] بصید	بد	ه	ک	بد	ه	ک	بد	ه	ک	بد	ه	ک
صید [illegible] کردن			ک				ک			بد	ک	
صید [illegible] و سباع کردن	ک	بد	بد		ک			بد	ک	ه		
دزد را صید کردن	ک			ک			ک	ک				ک
مرغان شکاری خریدن	ه	ه	ک	بد	ک	ه	ه	بد	ک	ک	ک	بد
[illegible]	ک	بد	ه	ک	بد	ه	ک	بد	ه	ک	بد	ک
اسبان [illegible]	ک	بد	ه	ک	بد	ه	ک	بد	ه	ک	بد	ه
[illegible]	ه	بد	ک	ه	بد	ک	ه	بد	ک	ه	بد	ک
طلب صلح و آشتی کردن	ک	ک		ک			ک					
[illegible]		ک	ک	ک					ک			
نام نهادن طفل	بد	ک	ه	ه	بد	ک	ه	بد	ک	بد	ه	ک
ابتدای امور	ک	بد	ه	ک	بد	ه	ک	بد	ه	ک	بد	ک
براسب [illegible] سوار	ک	ک	ک	ه	بد	ک	ه	بد	ک	ه	بد	ک

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
داروی که بلغم آورد	ک	بد	ه	بد	ک	بد	ه	بد	ک	بد	ه	بد
[illegible] خوردن	بد	بد	ه	ک	ک	بد	ک	ک	بد	بد	بد	ک
جوارش خوردن	ه	ه	ه	ه	ه	بد	ه	ه	ک	ه	ه	ک
[illegible] کردن	ک	بد	ه	ه	ک	بد	ه	ه	ک	بد	ه	ه
داروی که [illegible]	ک	ک	ک	ه	ه	ه	بد	بد	بد	بد	بد	بد
داروی که [illegible]	ه	ه	ه	ک	ک	ک	ه	ه	ه	ه	ه	ه
علاج [illegible]	بد	ک	ه	بد	ک	ه	بد	ک	ه	بد	ک	ه
[illegible]												
حقنه کردن	ه	ه	ه	ه	ه	ه	ک	ک	ه	ه	ه	ه
داغ نهادن	ک	ه	ه	بد	ک	ه	بد	بد	ک	ه	ه	بد
فصد کردن [illegible]	بد	بد	بد	بد	ک	بد	بد	ک	بد	بد	ک	بد
حجامت کردن	ک	بد	ک	بد	بد	بد	ک	بد	ک	بد	ک	بد
ختنه کردن	بد	ه	ه	ک	بد	ه	ه	بد	بد	ه	ه	ک
[illegible] کردن	ه	ه	ک	ه	ه	ه	ک	بد	ه	ه	ک	ک
بنده خریدن	بد	ه	ک	ه	ه	ک	ک	بد	ک	بد	ک	ه
بنده فروختن	ه	ک	ک	ه	ه	ک	ه	ک	ه	ک	ک	ک
بنده آزاد کردن	بد	ک	ه	بد	ک	ه	بد	ک	ه	بد	ک	ک
نکاح کردن	بد	ک	ه	بد	ک	ه	ک	بد	ه	بد	بد	ک
زفاف کردن	ک	ک	ه	بد	ک	ه	بد	بد	ه	ک	ه	ک
[illegible] رفتن	ک	ه	ک	ک	ه	ه	ه	ک	ک	بد	بد	ک
قباله زن نوشتن	بد	ک	ک	ک	ه	بد	ک	بد	ک	ک	ه	ک
[illegible] بردن	ک	ه	ک	ک	ه	ه	ه	ک	ک	ک	بد	ک
سلاح ساختن و خریدن												
سفر کردن دریا	ک	ه	بد	ک	بد	ه	بد	ه	بد	بد	بد	ک
کشتی بر آب روان کردن	بد	بد	ه	بد	بد	بد	ه	بد	بد	بد	ه	ک

چکانند

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول انتقالات قمر في البروج اثنا عشر

عدد	از برای دیدن ماه نو کردن هر ماه که دیدن اگر ماه دیدن بود	ایام شهور العربیه	لروشن الاهله نقل من حضرت امام جعفر الصادق علیه الصلوة والسلام
ا	در سلاح مفصول بینند	محرم الحرام ۱۳۰	در روی زر بینند تا ثواب خیر یابد
ا	در گیاه و سوار بینند	صفر یکم و ۳	در روی آینه بینند تا ثواب هزار قربانی یابد
ب	در روی طعام نگرند	ربیع الاول ۳۰۲	در روی آب بینند تا ثواب هزار آزاد کردن بنده یابد
ج	در سبزه و جواهر بینند	ربیع الآخر یکم و ۱۸	در روی ابن بینند تا ثواب یابد که جمیع گناهانش آمرزیده شود
د	در روی بزرگان بینند	جمادی الاول ۱ و ۱۵	در روی پیران بینند تا دلش روشن گردد
ه	در جمال خوبرویان بینند	جمادی الاخر ۱۵۲	در روی نقره باید دید تا دعا کورش بینند
و	در روی پیران بینند	رجب الاول ۱۳	در روی مصحف بینند تا از اصل آسان گردد
ز	در روی مصحف مجید بینند	شعبان ۳۰۳	در روی سبزه بینند تا ثواب هزار شهید یابد
ح	در روی مشایخ بینند	رمضان ۹ و ۴	در تیغ باید دید تا از بلا ایمن شود
ط	در روی دعاها بینند	شوال ۶ و ۷	در روی جامه رنگین بینند تا حق مادر و پدر بجا آورده باشد
ی	در روی جوانان بینند	ذی قعده ۵۰۴	در روی کتب بینند تا از عذاب دوزخ ایمن باشد
یا		ذی حجه ۷۹۶	در روی محرم بینند تا همه کس مهربان وی باشد

جدول منازل القمر من البروج اثني عشريه

ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ٮ شرطين
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	بطين
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ا ثريا
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ا دبران
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	- هقعه
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	- هنعه
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	- ذراع
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	نثرة
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	طرفه
ى	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جبهه
يا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	زبره
يب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	صرفه
يج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	عوا
يد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	سماك
يه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	غفر
يو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	زبانا
يز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	اكليل
يح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	قلب
يط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شوله
ك	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	نعايم
كا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	بلده
كب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	بلده
كج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ذابح
كد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	بلع
كه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	سعود
كو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	اخبيه
كز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مقدم
كح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مؤخر
كط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	رشا
ل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شرطين

	[illegible]		
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ید	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یو	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ک	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کد	[illegible]	[illegible]	[illegible]
که	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کو	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ل	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ید	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یو	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ک	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کد	[illegible]	[illegible]	[illegible]
که	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کو	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ل	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ید	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یو	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ک	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کد	[illegible]	[illegible]	[illegible]
که	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کو	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ل	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ید	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یو	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ک	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کد	[illegible]	[illegible]	[illegible]
که	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کو	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ل	[illegible]	[illegible]	[illegible]

که مژده داد جهان را ظفر فرودین

که تازه کرد جهان را بساط فروردین

هرمز
بهمن
اردیبهشت
شهریور
اسفندارمذ
خرداد
مرداد
دیباذر
اذر
ابان
خور
ماه
تیر
جوش
دیبمهر
مهر
سروش
رشن
فروردین
بهرام
رام
باد
دیبدین
دین
ارد
اشتاد
اسمان
زامیاد
مانسفند
انیران

مگر که مژده اردی بهشت آید

که صحن باغ بود جو طاق خلد برین

بهره ذات بهره کامی شد جهان الاعزاز انعام پیشه رحیم

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جها بهره خرداد داد عشرت داد عیش ... بهار چنین

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

چون قصد خانه بهرام کرد در آبان در آمد ... زمان و زمین

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

فیروز سوم شهریور ان شهریور ... فرا ... باب جاه و رامکین

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

همیشه تا که بود دور بهمن و اسفند | مدام تا که بجد شود شهور و سنین

روز		
دی باذر	ح	[illegible]
آذر	ط	[illegible]
آبان	ی	[illegible]
خور	یا	[illegible]
ماه	یب	[illegible]
تیر	یج	[illegible]
گوش	ید	[illegible]
دی بمهر	یه	[illegible]
مهر	یو	[illegible]
سروش	یز	[illegible]
رشن	یح	[illegible]
فروردین	یط	[illegible]
بهرام	ک	[illegible]
رام	کا	[illegible]
باد	کب	[illegible]
دی بدین	کج	[illegible]
دین	کد	[illegible]
ارد	که	[illegible]
اشتاد	کو	[illegible]
آسمان	کز	[illegible]
زامیاد	کح	[illegible]
مارسپند	کط	[illegible]
انیران	ل	[illegible]
هرمز	ا	[illegible]
بهمن	ب	[illegible]
اردیبهشت	ج	[illegible]
شهریور	د	[illegible]
اسفندارمذ	ه	[illegible]
خرداد	و	[illegible]
مرداد	ز	[illegible]

چو عزم کار جهانگیری در آذر | فزود رونق اسلام شرع و قوت دین

روز		
دی باذر	ح	[illegible]
آذر	ط	[illegible]
آبان	ی	[illegible]
خور	یا	[illegible]
ماه	یب	[illegible]
تیر	یج	[illegible]
گوش	ید	[illegible]
دی بمهر	یه	[illegible]
مهر	یو	[illegible]
سروش	یز	[illegible]
رشن	یح	[illegible]
فروردین	یط	[illegible]
بهرام	ک	[illegible]
رام	کا	[illegible]
باد	کب	[illegible]
دی بدین	کج	[illegible]
دین	کد	[illegible]
ارد	که	[illegible]
اشتاد	کو	[illegible]
آسمان	کز	[illegible]
زامیاد	کح	[illegible]
مارسپند	کط	[illegible]
انیران	ل	[illegible]
هرمز	ا	[illegible]
بهمن	ب	[illegible]
اردیبهشت	ج	[illegible]
شهریور	د	[illegible]
اسفندارمذ	ه	[illegible]
خرداد	و	[illegible]
مرداد	ز	[illegible]

بچرخ دولت و عمر شاه همیشه | بفر بخت و جوانی مدام شاد نشین

روز		
دی باذر	ح	[illegible]
آذر	ط	[illegible]
آبان	ی	[illegible]
خور	یا	[illegible]
ماه	یب	[illegible]
تیر	یج	[illegible]
گوش	ید	[illegible]
دی بمهر	یه	[illegible]
مهر	یو	[illegible]
سروش	یز	[illegible]
رشن	یح	[illegible]
فروردین	یط	[illegible]
بهرام	ک	[illegible]
رام	کا	[illegible]
باد	کب	[illegible]
دی بدین	کج	[illegible]
دین	کد	[illegible]
ارد	که	[illegible]
اشتاد	کو	[illegible]
آسمان	کز	[illegible]
زامیاد	کح	[illegible]
مارسپند	کط	[illegible]
انیران	ل	[illegible]
هرمز	ا	[illegible]
بهمن	ب	[illegible]
اردیبهشت	ج	[illegible]
شهریور	د	[illegible]
اسفندارمذ	ه	[illegible]
خرداد	و	[illegible]
مرداد	ز	[illegible]

بکنز اوج کند همه میل مهر گرفتار | ببای بوس غلامی آفتاب زمین

روز		
دی باذر	ح	[illegible]
آذر	ط	[illegible]
آبان	ی	[illegible]
خور	یا	[illegible]
ماه	یب	[illegible]
تیر	یج	[illegible]
گوش	ید	[illegible]
دی بمهر	یه	[illegible]
مهر	یو	[illegible]
سروش	یز	[illegible]
رشن	یح	[illegible]
فروردین	یط	[illegible]
بهرام	ک	[illegible]
رام	کا	[illegible]
باد	کب	[illegible]
دی بدین	کج	[illegible]
دین	کد	[illegible]
ارد	که	[illegible]
اشتاد	کو	[illegible]
آسمان	کز	[illegible]
زامیاد	کح	[illegible]
مارسپند	کط	[illegible]
انیران	ل	[illegible]
هرمز	ا	[illegible]
بهمن	ب	[illegible]
اردیبهشت	ج	[illegible]
شهریور	د	[illegible]
اسفندارمذ	ه	[illegible]
خرداد	و	[illegible]
مرداد	ز	[illegible]

این جدول غالب مغلوب با طریق آنست که اسم طالب و مطلوب
ابجد را آورده هر یک را علیحده طرح کند آنچه باقی ماند اگر
از عدد نه بیشتر باشد [illegible] در جدول درآورده و دیگری را [illegible]
آن عدد [illegible] در جدول آنچه [illegible]
سرخ دلالت بر غالب کند و خط سیاه دلالت بر
مغلوب [illegible] والله اعلم

	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩
١	مطلوب مغلوب	با	جا	دا	ها	وا	زا	حا	طا
٢	با	طالب مغلوب	جب	بد	هب	بو	بز	حب	طب
٣	جا	جب	طالب غالب	جد	جه	جو	جز	جح	جط
٤	دا	بد	جد	مطلوب غالب	هد	دو	زد	حد	طد
٥	ها	هب	جه	هد	طالب غالب	هو	هز	حه	طه
٦	وا	بو	جو	دو	هو	طالب مغلوب	زو	حو	طو
٧	زا	بز	جز	زد	هز	زو	مطلوب مغلوب	حز	طز
٨	حا	حب	جح	حد	حه	حو	حز	مطلوب غالب	حط
٩	طا	طب	جط	طد	هط	طو	طز	حط	طالب غالب

[illegible stamp]

[illegible]

ا ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ ل م ن و ه ی

باب اول
یک با یک · یک با دو · یک با سه · یک با چهار · یک با پنج · یک با شش · یک با هفت · یک با هشت · یک با نه

باب دوم
دو با دو · دو با سه · دو با چهار · دو با پنج · دو با شش · دو با هفت · دو با هشت · دو با نه

باب سیم
سه با سه · سه با چهار · سه با پنج · سه با شش · سه با هفت · سه با هشت · سه با نه

باب چهارم
چهار با چهار · چهار با پنج · چهار با شش · چهار با هفت · چهار با هشت · چهار با نه

باب پنجم
پنج با پنج · پنج با شش · پنج با هفت · پنج با هشت · پنج با نه

باب ششم
شش با شش · شش با هفت · شش با هشت · شش با نه

باب هفتم
هفت با هفت · هفت با هشت · هفت با نه

باب هشتم
هشت با هشت · هشت با نه

[illegible]